



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استدلال کلان
بر
نقد و نقض
سیاست‌های کلی پیشنهادی

برنامه پنجم سازندگی

مصوب دولت نهم

بر اساس

تحلیل «مبنایی - مدل‌مند - کارآمد»

حسینیه اندیشه

بهمن ۱۳۸۶

سرپرست پژوهش: حجة الاسلام والمسلمين صدوق

پژوهشگران: حجة الاسلام موسوی موشح (سرپرست محتوا)
برادر علی رضا انجم شعاع (کارشناس محتوا)
حجة الاسلام احمد زیبایی نژاد (سرپرست برنامه)
حجة الاسلام روح الله صدوق (سرپرست سازمان)

کارشناسان: برادر محمد صادق حیدری
مهندس حامد یزدانی
سرکار خانم ع. کشتکاران

تولید: ۱۳۸۶/۱۱/۱۴
نگارش: چهارم
تاریخ نشر: ۱۳۸۷/۲/۲۲
گروه علمی: گروه پژوهش های تطبیقی - گروه مدل برنامه

حسینیہ اندیشه

بسمه تعالی

نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

استراتژی رفتار دولت نهم:

تعمیم آبادانی با رویکرد مستضعف‌گرایی از کلان‌شهرها به سمت شهرها و از شهرها به سمت روستاها
تفسیر کاربردی از شعار عدالت‌خواهی رایحه خوش خدمت‌رسانی

نقد

تعمیم آبادانی با رویکرد مستضعف‌گرایی از کلان‌شهرها به سمت شهرها و از شهرها به سمت روستاها به مکانیزم تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله از سوی دولت نهم تطبیق می‌شود و راهبرد تحقق، جایگاه اول اقتصادی و علم و فن‌آوری در سند چشم‌انداز می‌باشد و باید برای حرکت در این مسیر اهداف مرحله‌ای، برای چهار برنامه نیز طراحی و ارائه شود.
استنباط از بخش اقتصادی، اداری و مدیریتی سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم، «طراحی اقتصاد مردمی، طراحی مدیریت مردمی برخاسته از ادبیات انقلاب بوده و در بخش فرهنگ و طراحی فرهنگ تلفیقی از ادبیات انقلاب و ادبیات حوزه» در دستور کار قرار گرفته است.

نقض

تئوریزه نشدن دو بخش اقتصاد و مدیریت مردمی در تصمیمات دولت نهم در چالش با قوه مقننه و بدنه کارشناسی کشور قرار گرفته و بالمال مورد اعتراض دانشمندان علم اقتصاد، مدیریت و برنامه‌ریزی گردیده است.

طرح

پیشنهاد می‌گردد:

«سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی» به «سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی با رویکرد فرهنگ انقلاب» تغییر یابد.

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور فرهنگی

محورهای مطروحه

- تکمیل و نهادینه‌سازی مهندسی فرهنگی کشور، انسجام و هم‌افزایی سامانه مدیریت فرهنگی در چارچوب پیوست فرهنگی بر مبنای فرآیند
- نهادینه‌سازی و تثبیت فضائل اخلاقی و آداب و سنن اسلامی بر پایه ساماندهی تأمین محتوای فرهنگ‌سازی با محوریت قرآن و مکتب اهل بیت (ع)
- تقویت هویت اسلامی - ایرانی و بسترسازی جهت مرجعیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان به ویژه دنیای اسلام

نقد

- بند ۳ باید به جای بند ۱ تغییر منزلت داده و بند ۱ باید به جای بند ۲ تغییر منزلت دهد.
- بررسی مسائل فرهنگی از منظر سه ادبیات مؤثر در الگوهای رفتاری نظام؛ ادبیات تخصصی حوزه، ادبیات تخصصی دانشگاه، ادبیات انقلاب برخواسته از روح اسلام
- مهندسی فرهنگی ناظر بر مهندسی ساختار و موضوعات برنامه است که نسبت به آن تحلیلی ارائه نشده است، لذا مشروط کردن طرح‌ها و برنامه‌ها به پیوست فرهنگی نیز معنا ندارد.
- زیرمجموعه‌های سیاست‌های ۱ و ۲ بر اساس ادبیات حوزه بیان شده است که ناظر بر رفتارهای فردی و گروهی است، لذا قدرت برخورد به فرهنگ غربی حاکم بر ساختارهای برنامه را ندارد.
- بند ۳ ناظر بر ادبیات انقلاب بوده که حافظ جهت نظام است و در چالش موضوعات ساختار برنامه است که نسبت به آن نیز تحلیلی ارائه نشده است.

نقض

بعد از پایان جنگ و دوره دفاع مقدس، «تهاجم فرهنگی» به عنوان یک اصل در دستور کار نظام استکبار قرار گرفت و در دو دهه اخیر با عمل به کارشناسی غربی در مدیریت اقتصادی و توسعه سیاسی بر اساس فلسفه دموکراسی، ناهنجاری‌های فرهنگی در نظام تشدید گردید.

از این رو، عنوان اصلی حاکم بر این بخش باید به آسیب‌شناسی فرهنگ حوزه و دانشگاه در کنترل تهاجم فرهنگی و موضوعات مربوط به آن از طرف نظام استکبار و کیفیت جریان آن در ساختارهای برنامه پردازد و عدم توجه به راهنمایی‌ها و هشدارهای مقام معظم رهبری نسبت به شیخون فرهنگی پردازد، تا بتوان این بخش را از مظلومیت خارج نمود.

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

طرح

کارآمدی ادبیات انقلاب در اعلاّی کلمه حق و ایجاد وحدت در بخش سیاسی علّت بقاء، تداوم و حیات انقلاب گردیده است. از این رو، ضرورت تئوریزه کردن انقلاب اسلامی به عنوان هویت اسلامی - انقلابی ضامن بقاء نظام در نگاه آینده‌نگری است. در راستای رسیدن به این ضرورت، پرداختن به موضوعات زیر ضروری است:

۱. تولید اندیشه بالادستی این بخش اعمّ از تئوری ولایت مطلقه فقیه برای تحوّل در ساختار سیاسی نظام و جریان آن در قانون اساسی از چالش‌های اصلی تدوین چشم‌اندازهای نظام است.

۲. تئوریزه کردن انقلاب به معنای

۲/۱. ارائه تعریف تکامل

۲/۲. فرآیند تکامل در سه مرحله زمانی: انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی

۲/۳. تعیین جایگاه انقلاب اسلامی ایران در فلسفه تاریخ ادیان الهی است

۳. بر اساس سیاست‌های ۱ و ۲ و تولید جامعه‌شناسی الهی به آسیب‌شناسی روش‌های تولید اندیشه در عرصه‌های اعتقادی، معادلات کاربردی، مدل برنامه پرداخته شود، تا بتوان اهداف و آرمان‌های نظام را محقق نمود.

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور اجتماعی

محورهای مطروحه

۱. گسترش جریان عدالت اقتصادی
۲. تقویت نقش و صیانت از جایگاه خانواده و بررسی مسائل زنان و توجه ویژه به جوانان
۳. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از طریق مدیریت و نهادینه‌سازی امنیت اجتماعی

نقد

نگاه اقتصادی به مقوله عدالت اجتماعی
نگاه اقتصادی به مقوله خانواده و جوانان
نگاه به آسیب‌شناسی اجتماعی و حل چالش‌های آن از طریق نهادینه کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر

نقض

نگاه اقتصادی به مقوله‌های اجتماعی به دلیل بالابردن انتظارات اجتماعی در الگوی مصرف موجود تورم‌زا بوده و علاوه بر این، رویکرد فرهنگی دین به مقولات اجتماعی، «انسانی، ارزشی، آخرتی» است، نه اقتصادی.

طرح

۱. ضرورت نگاه اخلاقی به مقوله‌های اجتماعی در نظام مطلوب الهی و کیفیت تثویزه شدن اخلاق در ساختارهای موضوعات برنامه
۲. ضرورت نگاه به جایگاه اصل امر به معروف و نهی از منکر در جامعه مطلوب (جامعه مدینه‌النبی) از منظر مهندسی ساختارها در جریان نظام تصمیم‌گیری

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور علمی و فن آوری

محورهای مطروحه

۱. نگاه دین به مقوله علم و فن آوری و پذیرش جهت‌گیری‌های حاکم بر علم و فن آوری
۲. ارتقاء سهم تأثیر مراکز پژوهشی داخلی در تولید علم در سطح منطقه و جهان

نقد

در محور اول بایستی ابتدا به اثبات ضرورت آن پرداخت و سپس به تئوری‌پردازی پیرامون دین و علم پرداخته شود تا معنا دار گردد، لذا بین دو محور مطروحه هماهنگی وجود ندارد.

نقض

تئوریزه نشدن جهت‌دار بودن علم و فن آوری، به معنای برخورد عرفی نسبت به کارآمدی فرهنگی عملکرد دستگاه‌های آموزشی و پژوهشی در نظام مبارک جمهوری اسلامی است. از این رو، اگر باید ارزش‌های اسلامی را بر جهت‌گیری‌های علم و فن آوری حاکم نمود، راهی به جز دستیابی به الگوی بومی در استفاده از آن‌ها وجود ندارد و الگوی بومی باید برخاسته از فرهنگ اسلام و انقلاب باشد و چنین الگویی با مشارکت در تولید علم در سطح جهانی در تعارض است.

طرح

- برای ساماندهی علمی به نحو زیرساختی باید رابطه بین «دین، علم و فلسفه» تئوریزه شود. از این رو، اهتمام به دو بند ذیل باید مورد دقت قرار گیرد:
۱. ضرورت مطالعه علوم از منظر متدولوژی و روش‌ها و توجه به جهت‌دار بودن علوم و تبعات فرهنگی آن
 ۲. ضرورت مطالعه علوم از منظر فلسفه‌های مضاف و توجه به جهت‌دار بودن علوم و تبعات فرهنگی آن

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور اقتصادی

محورهای مطروحه

واگذاری بخش اقتصاد دولتی به بخش‌های غیردولتی به ویژه تعاونی برای تحقق عدالت اقتصادی و ایجاد اشتغال
اصلاح نظام مدیریت اقتصادی (بانک - بیمه - بورس) در راستای اهداف مهندسی اقتصاد مردمی - عدالت
اقتصادی - اشتغال
تقویت زیرساخت‌ها با استراتژی صنعت مدرن
نگاه زیست‌محیطی به پروژه‌های اقتصادی و طرح‌های ملی

نقد

نگاه فرهنگ انقلاب به فرهنگ سرمایه‌داری علت برخورد تخریبی به نهاد اداری، برنامه‌ای و نظام بانکی کشور
شده است و مقدمه عزم ملی در راستای تحقق مهندسی‌های جدید گردیده است.

نقض

استراتژی صنعت مدرنیته در نظام اقتصاد سرمایه‌داری در گیر با مهندسی اقتصاد مردمی است.
فاصله طبقاتی ذاتی نظام سرمایه‌داری بوده و ابزار مدیریت اقتصاد بخش خصوصی است، این امر با فرهنگ
کرامت‌محور و انسانی انقلاب در تضاد است.
صرفه‌جویی در مقیاس تولید (به معنای سودمحوری) علت مهندسی صنعت متمرکز بوده و این امر ضد کرامت
انسانی است.
اتوماسیون و نهادینه شدن کارخانه‌ها به دلیل تغییر مقیاس در سود بازار سرمایه، علت بیکاری و نوسانات در امر
اشتغال است.
تولید انبوه و نهاد کارخانه، تضمین‌کننده منافع قشر سرمایه‌دار است و علت ارزانی و کم کردن فشار اقتصادی بر
قشر کارگر و مستضعف نمی‌گردد.

طرح

ضرورت توجه مهندسی اقتصاد مردمی به تئوریزه کردن اقتصاد سرمایه‌داری و کیفیت منحل کردن آن در
دستگاه اقتصاد مردمی

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور اداری و مدیریتی

محورهای مطروحه

ارائه شاخصه‌های دولت خدمت‌گزار در عرصه‌های اقتصادی
تفویض اختیارات به مناطق مبتنی بر افزایش مشارکت مردم و حفظ اصل تمرکز امور سیاست‌گذاری و حاکمیتی
در دولت مرکزی
تأکید بر نظارت و ارزیابی با رویکرد دینی
تأکید بر الگوی نظام تشویق و تنبیه با رویکرد دینی
مدرنیته کردن نرم‌افزارهای دولت در جریان تصمیماتش
صیانت از بیت‌المال و پرهیز از اسراف

نقد

عنوان بخش «اداری و مدیریتی» که معرف الگوهای رفتاری ساختار سازمانی قوه مجریه می‌باشد، با عنوان طراحی و استقرار نظام مدیریت اسلامی - تحول‌گرا بر پایه عقلانیت، معنویت و عدالت - با محوریت انسان الهی که عنوان طرح جامع نظام است تناسب ندارد، زیرا شامل و مشمول بوده و مشمول، شامل شده است.

نقض

مهندسی بخش اداری با رویکرد اقتصادی تعریف شده است، زیرا امور حاکمیتی تنها برای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی معنا ندارد و باید بخش فرهنگ و سیاست را نیز شامل شود. از این رو، تعریف اقتصادی از سیستم اداری کشور مربوط به ادبیات توسعه همه‌جانبه است که با نگاه عدالت‌محور و مردمی دولت نهم سازگار نمی‌باشد.

طرح

ضرورت تئوریزه کردن سیستم اداری کشور بر اساس مدیریت ارگانیزه در نظام مطلوب الهی به جای مدیریت مکانیزه در ادبیات توسعه همه‌جانبه و پایدار

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور امنیتی و دفاعی

محورهای مطروحه

۱. تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، متعالی، فراگیر و پیش‌برنده اهداف و منافع ملی
۲. ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، منافع و امنیت ملی
۳. مقابله مؤثر با هر تهدید خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای
۴. کسب دانش‌های پیشرفته و نو در نظام امنیتی - دفاعی در کشور
۵. تقویت دیپلماسی دفاعی

نقد

مهندسی امور امنیتی از امور سخت‌افزاری به نرم‌افزاری
مهندسی امور امنیتی از امور استکبارستیزی اهداف انقلاب به مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
مهندسی امور دفاعی از تئوری شهادت‌طلبی و انسان محوری به تئوری‌های ابزارمحور در تئوری‌های جنگ کلاسیک با توجیهات مادی
مهندسی سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع به معنای به کارگیری توانمندی‌های مردمی در راستای اهداف توسعه همه‌جانبه و پایدار (نظریه مادی در مهندسی امنیتی مردمی)

نقض

عناوین کلی امور امنیتی و دفاعی از اهداف اسلام، حاکمیت اسلام و منافع اسلام به اهداف و منافع و حاکمیت ملی تبدیل تغییر یافته، لذا راهبردها بر فرهنگ مادی ترسیم شده است.

طرح

۱. ضرورت تئوریزه کردن رفتار دفاعی انقلاب در جنگ جهانی در دوره دفاع مقدس در قالب بسیج بیست میلیونی
۲. ضرورت تئوریزه کردن رفتار امنیتی انقلاب در برخورد با ضد انقلاب داخل
۳. ضرورت تئوریزه کردن مأموریت نهاد سپاه در قالب پاسداری از انقلاب اسلامی

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور سیاست داخلی

محورهای مطروحه

۱. تحکیم مردم سالاری دینی با افزایش کارآمدی و انسجام قوای سه گانه، ارتقاء شاخص های امنیت عمومی و انضباط اجتماعی برای افزایش اعتماد و رضایتمندی عمومی
۲. بهبود سلامت فضای سیاسی با متعهد نمودن جریانات سیاسی به پایبندی و دفاع از منافع ملی، دشمن ستیزی، قانون پذیری و رعایت قاعده مندی و اصول اخلاقی در رقابت فیمابین

نقد

تحکیم مردم سالاری دینی بدون اصل ولایت و ارتباط ارگانیک این دو با هم بی معنا است.

نقض

۱. عدم آسیب شناسی سلامت فضای سیاسی کشور و عدم تحلیل از فضای سیاسی دولت عدالت محور دو رکن جدید در تعیین سیاست داخلی است.
۲. سکوت نسبت به اسلام به عنوان محور همبستگی در سیاست داخلی و اتحاد ملی
۳. ضرورت آسیب شناسی تنازع اقوام و خرده فرهنگ ها بر جذب تخصیص ها در ساختار سیاسی نظام

طرح

ضرورت تئوریزه شدن اصل ولایت مطلقه فقیه در قالب تئوریزه شدن موضوع خلافت الهی به جای تئوری قدرت در نظام سیاسی

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور قضایی

محورهای مطروحه

اصلاح و تقویت ساختار نظام قضایی کشور برای تحقق کامل معیارهای اسلامی

نقد

عدم تناسب اصلاح ساختار نظام قضایی برای تحقق کامل معیارهای اسلامی با تضمین عدالت و امنیت قضایی با رویکرد اقتصادی

نقض

۱. عدم توجه به آسیب‌شناسی تراکم جرائم خُرد در نظام قضایی در قالب تراکم پرونده‌ها
۲. هدایت وجدان عمومی قوه قضاییه به دنبال تحقق سیاست‌های اقتصادی نظام و تشدید تنازع مادی در جامعه

طرح

ضرورت تحلیل از ارتقاء انتظارات مادی مردم در ساختارهای برنامه و کیفیت کنترل آن از منظر اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و برنامه‌ریزی برای تغییر در ساختار قضایی نظام

بسمه تعالی
نقد و نقض کلان سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور تقنینی

محورهای مطروحه

۱. رعایت اولویت قانون‌گذاری در امور مصرّح در قانون اساسی و پرهیز از امور جزئی
۲. تنقیح قوانین موجود در جهت انطباق کامل با معیارهای شرعی و قانون اساسی که مغفول‌عنه واقع شده است.
۳. روان‌سازی امور، شفافیت حقوق مردم و حاکمیت، انطباق با نیازهای واقعی جامعه
۴. نظارت بر اجرای کامل قوانین برای ارتقاء امنیت عمومی در سایه قانون‌گرایی

نقد

با تأکید بر نگاه کلان به روند گذشته، ترسیم مدل حاکم بر برنامه‌ها ممکن نمی‌باشد، بلکه باید نگاه کلان به وضع موجود و مطلوب نیز ارائه و استدلال شود.

نقض

چالش بین دو قوه مجریه و مقننه به علّت حاکمیت منطق انتزاعی بر اندیشه اصول‌گرایان ضرورت بازنگری قوانین موجود با معیارهای شرعی و قانون اساسی به دلیل مغفول‌عنه واقع شدن بعضی از امور نبوده است، بلکه به دلیل چالش‌های مبنایی به وجود آمده بین فرهنگ مدرنیته و فرهنگ انقلاب و اسلام می‌باشد.

اسلام و اخلاق اسلامی، خاستگاه اصلی نیازهای واقعی جامعه و بیگانه بودن ساختارهای برنامه از نیازهای واقعی محرومین و مستضعفین

روزمرگی در تصمیمات نظام و عدم حاکمیت فرهنگ برنامه علّت عدم ثبات امنیت در بخش‌های نظام می‌گردد و به امنیت عمومی در سایه قانون‌گرایی لطمه وارد می‌سازد و بالمآل این امر موضوع نظارت مکانیکی را تشدید می‌نماید.

طرح

۱. به دلیل تقوای حاکم بین اصول‌گراها و اعتقاد همگی به حقایق دینی، مشکل گرایشی و روحی وجود ندارد، زیرا پایگاه اعتقادی همه ایشان به حقایق عالم و دین بر می‌گردد. خلأ منطق تفاهم در عرصه موضوعات اجتماعی علّت چالش‌های مطروحه در امر تقنین می‌شود.
۲. ضرورت تنظیم سیاست‌های حاکم بر قوه مقننه به عنوان یک مجموعه مستقل و مسئول تنظیم نقشه نظام و مهندسی آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استدلال خرد
بر

نقد و نقض

سیاست‌های کلی پیشنهادی

برنامه پنجم سازندگی

مصوب دولت نهم

حسینیه اندیشه

بهمن ۱۳۸۶

سرپرست پژوهش: حجة الاسلام والمسلمین صدوق

پژوهشگران: حجة الاسلام موسوی موشح (سرپرست محتوا)
برادر علی رضا انجم شعاع (کارشناس محتوا)
حجة الاسلام احمد زیبایی نژاد (سرپرست برنامه)
حجة الاسلام روح الله صدوق (سرپرست سازمان)

کارشناسان: برادر محمد صادق حیدری
مهندس حامد یزدانی
حجة الاسلام علی کشوری
حجة الاسلام مجید گودرزی
برادر رسول ساکی
سرکار خانم ع. کشتکاران
برادر محمدرضا حسینی نیافر
برادر حسین چمن خواه

تولید: ۱۳۸۶/۱۱/۱۴
نگارش: چهارم
تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۱۱/۱۶
گروه علمی: گروه پژوهش های تطبیقی - گروه مدل برنامه

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
فرهنگی**

راهنما:

عباراتی که در کادر هاشورخورده قرار گرفته‌اند، متن اصلی «سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی» هستند که بدون تغییر ذکر شده‌اند.

متنی که در بین دو کادر بالا و پایین قرار گرفته است، استدلال بر نقد و در بعضی موارد، نقض عبارت متن اصلی سیاست‌ها می‌باشد و تغییر آن به عبارت جدید، غرض نهایی از تنظیم این مجموعه می‌باشد.

عبارات قرار گرفته در این کادر، متن نظریه اصلاحی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نسبت به «سیاست‌های کلی پیشنهادی» است که به صورت مستقل در جزوهای دیگر ارائه شده است.

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی امور فرهنگی

(۱) تکمیل و نهادینه سازی مهندسی فرهنگی کشور، انسجام و هم افزایی سامانه مدیریت فرهنگی در چارچوب پیوست فرهنگی بر مبنای فرآیند با تأکید بر:

عدم کارآمدی فرهنگ تعاملی موجود در کنترل فرهنگ کارشناسی غربی ما را ملزم به تدوین انقلاب فرهنگی به جای مهندسی فرهنگی می نماید.

(۱) تکمیل و نهادینه سازی انقلاب فرهنگی*، انسجام و هم افزایی سامانه انقلاب فرهنگی* در چارچوب پیوست فرهنگی بر مبنای فرآیند با تأکید بر:

* ضمیمه: تعریف انقلاب فرهنگی

■ آسیب شناسی فرهنگ تعاملی موجود در کنترل چالش های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام

بند ذیل از سیاست شماره ۲ به این بخش منتقل شده است.

■ ترویج و تقویت فرهنگ انقلاب

■ اهتمام به تهیه پیوست فرهنگی در تمامی طرحها و برنامه ها

به جای بند فوق، بند ذیل قرار داده شده است.

■ ضرورت تبیین ساختارهای سیاسی و اقتصادی از منظر ساختار فرهنگی

■ (الف) تحول تعالی جوانه در سطوح مختلف نظام تعلیم و تربیت و (ب) نهاد خانواده با رویکرد دینی

عبارت تفکیک شده است؛ در بند الف، تحول در سیاست های پیشنهادی معنا نشده است، لذا از عناوین طرح جامع نظام است. دو عبارت ذیل به جای آن قرار داده شده است. بند ب به سیاست «تقویت نهاد خانواده» منتقل می شود.

■ تبدیل نظام آموزشی از مدرک گرایی به کارآمدی در راستای اهداف انقلاب

■ تحول نظام تربیتی از مُدگرایی به فرهنگ انقلاب

■ (الف) احیاء نقش مساجد به عنوان کانون تحولات فرهنگی- اجتماعی با تقویت زیرساخت ها و (ب) گسترش نقش مردم در امور فرهنگی

عبارت تفکیک شده است؛ بند الف قابلیت تحقق عینی نداشته و کاربردی نمی باشد. در بند ب مهندسی فرهنگی با رویکرد مردمی تئوریزه نشده و سیاستی برای آن پیش بینی نشده و لذا غیر قابل تحقق است. حضور مردمی در تعریف فرهنگ با رویکرد حوزه، سنتی بوده و قدرت تسخیر ساختارهای فرهنگی برنامه را ندارد.

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ ارتقای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نیروی انسانی حوزه فرهنگ در راستای اعتلای نگرش دینی

گسترش کمی منابع نیروی انسانی حوزه فرهنگ با توجه به عدم کارآمدی آن در کنترل فرهنگ سرمایه‌داری، امری توجیه‌ناپذیر است. این عنوان پس از ترکیب با بند الف از عنوان پیشین، تبدیل به عنوان ذیل شده است.

▪ احیاء نقش نهادها و کانونهای انقلابی با الگوی مصرف انقلابی در تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

۲) نهادینه‌سازی و تثبیت فضائل اخلاقی و آداب و سنن اسلامی بر پایه ساماندهی تأمین محتوای فرهنگ‌سازی با محوریت قرآن و مکتب اهل بیت(ع) با تأکید بر:

۲) نهادینه‌سازی و تثبیت فضائل اخلاقی و آداب و سنن اسلامی بر پایه ساماندهی تأمین محتوای فرهنگ‌سازی با محوریت قرآن و مکتب اهل بیت(ع) با تأکید بر:

▪ تعمیق فرهنگ ولایت و انتظار با پایدارسازی باورها و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی

تعمیق فرهنگ ولایت و انتظار بدون تولید عقلانیت دین‌محور در استثنائه به کلمات وحی امکان‌پذیر نیست. زیرا بدون داشتن چنین رویکردی اخباری‌گری در موضوع ولایت و انتظار محقق خواهد شد.

▪ ضرورت تدوین فلسفه تاریخ الهی و بینش حکومت اسلامی برای پایدارسازی باورها، و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی

▪ بکارگیری عملی اندیشه‌های حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری

به‌کارگیری عملی اندیشه‌های حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیازمند استخراج الگوهای رفتاری در مدیریت حادثه‌سازی در انقلاب است، در غیر این صورت با عمل به موضوعات ساختارهای برنامه مدرنیته ادبیات انقلاب به نفع آن منحل می‌گردد، از این رو این سیاست نیز غیر قابل تحقق است.

▪ استخراج الگوی رفتاری مدیریت حادثه‌سازی حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری برای حل چالش‌های کلان نظام

▪ حرکت به سوی سبک زندگی اسلامی و تقویت فرهنگ وجدان کار، معیشت حلال، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر، انفاق، وقف، تعاون و مسئولیت‌پذیری، حیا و عفت، صله رحم و مهرورزی، ایثار و شهادت

عدم ارائه نظام شاخصه برای سبک زندگی اسلامی در برنامه آن را محقق نمی‌سازد و خُرده‌فرهنگ ملاحظه می‌شود.

▪ حرکت به سوی زندگی اسلامی براساس جامعه‌شناسی الهی

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ (الف) تعمیق ارزشی و دینی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای با حفظ و رعایت حدود و تقوای الهی، (ب) ترویج و تقویت فرهنگ نشاط، امید

عبارت تفکیک شده است؛ بند الف ملتزم تثبیت روند گذشته در فعالیت‌های رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی است که برنامه‌ها با عدم مخالفت با شرع، تهیه و کنترل می‌شود، لذا تثبیت وضع موجود است. بند ب پس از تغییر «فرهنگ نشاط و امید» به «فرهنگ انقلاب» به سیاست شماره یک منتقل شد.

▪ تعمیق ارزشی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای در قالب الگوی جدید خبرسازی، تحکیم انتظارات و شاخصه‌های تکامل اجتماعی

(۳) تقویت هویت اسلامی - ایرانی و بسترسازی جهت مرجعیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان به ویژه دنیای اسلام با تأکید بر:

▪ حضور پیشگامانه در جریان سازی فرهنگی با رصد مستمر و دشمن شناسانه و مصونیت‌بخشی در برابر فرهنگ معارض و مهاجم استکباری

بند سوم از سیاست شماره ۳ پس از تغییر عبارت جایگزین عنوان سیاست شماره ۳ شده است. عبارت فعلی این سیاست به عنوان بند دوم ذکر شده است.

(۳) حضور بر مبنای مقاومت در جریان سازی فرهنگی با رصد مستمر و دشمن شناسانه و مصونیت‌بخشی در برابر فرهنگ معارض و مهاجم استکباری به عنوان سیاست حاکم بخش فرهنگ با تأکید بر:

▪ پیشگیری از بروز تضادها و جابجایی در نظام ارزشی با احیاء و تقویت بنیانهای ارزشی و هویتی در کشور

بند چهارم از سیاست شماره ۳ پس از تغییر عبارت به عنوان بند اول از این سیاست قرار گرفته است.

▪ پیشگیری از بروز تضادها و جابجایی در نظام ارزشی از طریق به وحدت رساندن سه ادبیات حوزه، دانشگاه و انقلاب بعنوان راهبرد حضور بر مبنای مقاومت

عنوان سیاست شماره ۳ به عنوان بند دوم همین سیاست ذکر شده است.

▪ تقویت هویت اسلامی - ایرانی و بسترسازی جهت مرجعیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان به ویژه دنیای اسلام

▪ تقویت و تحکیم هویت فرد و جامعه اسلامی - ایرانی مبتنی بر اعتماد به نفس، خودباوری و افتخار ملی و انقلابی، استکبارستیزی و استمرار تفکر بسیجی در عرصه‌های مختلف

این بند با اصل سیاست شماره ۳ (که اکنون در بند دوم آن قرار گرفته) عنوان واحدی دارد. در این بند بر محتوا تکیه شده است و در عنوان ۳ بر سازمان و برای برنامه سیاستی تنظیم نشده است. «اعتماد به نفس» با روان‌شناسی اسلامی در تضاد است و بهتر است «اتکال به خدا» جایگزین آن شود. زیرا با جامعه‌شناسی حضرت امام (ره) منافات دارد.

▪ تقویت و تحکیم هویت انقلابی ملت شریف ایران مبتنی بر رشد تنفر از نظام استکباری

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ (الف) تقویت و تعظیم مستمر شعائر، نمادها و هنر فاخر اسلامی - ایرانی و (ب) حفظ و ارتقای جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی

عبارت تفکیک شده است؛ در بند الف، استخراج آن از منابع اسلامی ضرورت دارد و لذا جزء اسناد بالادستی می‌گردد. بند ب اشاره به هدایت امت جهان اسلام در قرن بیستم در قالب ادبیات فارسی به وسیله اندیشه‌های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری دارد.

▪ تقویت و تعظیم مستمر شعائر، نمادها و هنر فاخر اسلامی و حفظ و ارتقای جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی بعنوان تنها زبان هدایت امت جهان اسلام در قرن حاضر

بند ذیل از سیاست شماره ۱۴ در خصوص «آمایش سرزمین» بدون تغییر به این بخش منتقل شده است.

▪ تقویت یکپارچگی سرزمین و وحدت ملی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی و تعامل سازنده میان ارزش‌های مثبت مناطق گوناگون کشور

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
اجتماعی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی امور اجتماعی

۴) گسترش عدالت در دسترس و بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی

۴) گسترش عدالت در دسترس و بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی

▪ ایجاد امکان بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه از فرصت‌ها و امکانات، با اولویت مناطق محروم و اقشار مستضعف

الگوی مصرف موجود تورم‌زا است.

▪ ایجاد امکان بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه از فرصت‌ها و امکانات، با اولویت مناطق محروم و اقشار مستضعف از طریق الگوی مصرف انقلابی

▪ توسعه صنایع فرهنگی و گسترش کمی و کیفی آمار و فعالیتهای هنری و ادبی با تأکید بر مبانی اسلامی

فلسفه هنر اسلامی بر اساس مبانی اسلامی تولید نشده است.

▪ توسعه صنایع فرهنگی و گسترش کمی و کیفی آثار و فعالیتهای هنری و ادبی دفاع مقدس، فرهنگ انقلاب و فرهنگ مقاومت ملت دلاور ایران و تمام ملت‌های آزاده جهان اسلام

▪ گسترش دسترسی به فناوریهای نوپدید نرم و سخت بویژه در رسانه ملی

مطلق بودن آن تورم‌زا است.

▪ گسترش دسترسی به فناوریهای نوپدید نرم و سخت بویژه در رسانه ملی برای دستگاه رهبری و دولت اسلامی

۵) گسترش خدمات اجتماعی با تأکید بر:

۵) گسترش خدمات اجتماعی با تأکید بر:

▪ تأمین بیمه فراگیر و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی

تورم‌زا است.

▪ داوطلبانه بودن بیمه فراگیر و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی

▪ تأمین، حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی بویژه تأمین تغذیه سالم، حلال و مکفی

در الگوهای مصرف موجود تورم‌زا است.

▪ تأمین، حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی براساس الگوهای تغذیه، بهداشت و درمان با رویکرد جدید اقتصادی - فرهنگی

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ گسترش امکانات گذراندن اوقات فراغت و اهتمام به تربیت بدنی و ورزش همگانی و جوانمردی

تناسب آن با ساختار نظام تعلیم و تربیت جدید باید بررسی شود.

▪ تقویت فرهنگ وجدان کاری و اهتمام به تربیت بدنی با اولویت ورزش همگانی

۶) تقویت نقش و صیانت از جایگاه خانواده با تأکید بر:

۶) تقویت نقش و صیانت از جایگاه خانواده با تأکید بر:

▪ توانمندسازی جوانان برای ازدواج آگاهانه و پایدار

به دلیل بالا بودن سن ازدواج قابل تحقق نیست.

▪ برنامه‌ریزی برای کاهش سن ازدواج برای پایدار کردن نهاد خانواده

▪ تسهیل ازدواج به هنگام با رفع موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

با الگوی مصرف موجود تورم‌زا است.

▪ تسهیل ازدواج به هنگام بوسیله تبدیل ساختار حقوقی ازدواج دائم به ازدواج موقت

▪ تحکیم بنیان خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی

مربوط به اسناد بالادستی در قانون اساسی است.

▪ تحکیم بنیان خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانواده بر پایه کارآمدی اخلاقی نهاد خانواده

▪ اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی بانوان بر اساس مبانی اسلامی

تا کنون الگوی مشارکت اجتماعی بانوان بر اساس مبانی اسلامی تولید نشده و قابل تحقق نیست.

▪ اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی بانوان بر اساس رویکرد جدید ساختار حقوقی جدید در ازدواج

۷) توجه ویژه به جوانان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر:

۷) توجه ویژه به جوانان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر:

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ توجه به مقتضیات دوره جوانی، نیازها و تواناییهای جوانان و فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی آنان

بر اساس سیاست شماره ۶ محقق می‌گردد.

▪ توجه به مقتضیات دوره جوانی، نیازها و تواناییهای جوانان و فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی آنان (براساس بندهای سیاست ۶)

▪ نهادینه‌سازی خدمت مقدس سربازی در قالب بسیج مستضعفین و داوطلبانه بودن آن

▪ ساماندهی امور جوانان بویژه مهارت‌های زندگی و مشارکتهای اجتماعی، اشتغال، مسکن و تحصیل

در الگوی مصرف موجود تورم‌زا است.

▪ ساماندهی امور جوانان بویژه مهارت‌های زندگی و مشارکتهای اجتماعی، اشتغال، مسکن و تحصیل براساس تدوین الگوی مصرف انقلابی

▪ مدیریت و نهادینه سازی امنیت اجتماعی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی

به دلیل برخورد سطحی نسبت به آسیب‌های اجتماعی کارآمدی ندارد.

▪ مدیریت و نهادینه‌سازی امنیت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق تحقق ساختار جدید ازدواج و ریشه‌کن کردن مواد مخدر

(۸) اهتمام به تأمین حقوق و رعایت تکالیف اجتماعی با تأکید بر:

(۸) اهتمام به تأمین حقوق و رعایت تکالیف اجتماعی با تأکید بر:

▪ صیانت از حریم خصوصی و آزادیهای مشروع و قانونی و تقویت و ارتقای سطح احساس امنیت اجتماعی و اخلاقی

حریم عمومی بستر پرورش آحاد جامعه در فرهنگ عمومی است.

▪ صیانت از حریم عمومی و خصوصی و آزادی‌های مشروع و قانونی و تقویت و ارتقای سطح احساس امنیت اجتماعی و اخلاقی

▪ تقویت انضباط اجتماعی، روحیه تعاون و قانون‌گرایی و ترویج و نهادینه کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ضمانت حقوقی فعالیت نهادهای نظارتی مردمی

در ساختارهای موضوعات مدل برنامه اقتصادمحور اصل امر به معروف و نهی از منکر قابلیت نهادینه شدن ندارد. البته بعد از شکستن مدل برنامه اقتصادمحور از طریق تنویریه کردن عدالت مادی امکان تعیین نقش و جایگاه برای این اصل به وجود می‌آید.

تقویت انضباط اجتماعی، روحیه تعاون و قانون‌گرایی و تقویت ضمانت حقوقی فعالیت نهادهای نظارتی مردمی

نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
علمی و فن آوری

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی امور علمی و فن‌آوری

(۹) حاکم کردن جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی بر جهت‌گیری‌های علم و فن‌آوری از طریق:

«اعتقادات، فقه و اخلاق» موجود اموری فردی بوده و قدرت کنترل جهت حاکم بر تولید علم و فن‌آوری را که سازمانی و اجتماعی انجام می‌شود را ندارد.

(۹) حاکم کردن نظام فکری حکومت اسلامی بر جهت‌گیری‌های علم و فن‌آوری از طریق:

▪ تبیین جهان‌بینی اسلامی و ابتناء دانش‌ها و فن‌آوری‌ها بر جهان‌بینی اسلامی

«اعتقادات، فقه و اخلاق» موجود فردی بوده و قدرت کنترل جهت حاکم بر تولید علم و فن‌آوری را که سازمانی و اجتماعی است ندارد.

▪ تبیین نظام فکری حکومت اسلامی و ابتناء دانش‌ها و فن‌آوری‌ها بر اساس بینش اجتماعی اسلام

▪ تعمیق معرفت دینی در مؤسسات آموزشی و پژوهشی با همیاری سامان یافته حوزه و دانشگاه

تثبیت وضعیت موجود بوده و با تعمیق تنافی دارد.

▪ تعمیق معرفت دینی از طریق ذوب شدن منطق نظری حوزه و منطق کاربردی دانشگاه در یکدیگر؛ بر اساس نظریه حضرت امام(ره)

(۱۰) ارتقاء محسوس علم و فن‌آوری کشور در جهان و پیشتازی همه‌جانبه در منطقه با تأکید بر:

با تغییر رویکرد در بخش اقتصاد و فرهنگ، باید تولید علم از راه نهضت نرم‌افزاری معنای جدیدی پیدا کند.

(۱۰) تبیین رویکرد نقشه جامع علمی کشور بعنوان مبنای الگوهای «تولید، تجارت و صنعت» با رویکرد جدید اقتصاد مردمی

▪ تحول نظام آموزشی و پژوهشی در جهت پرورش استعدادها و خلاقیت‌ها و رشد علمی کشور با اهتمام به آموزش پژوهش محور و ارتقاء فرهنگ علم جویی و نوآوری در کشور

نظام آموزش و پژوهش در الگوی موجود تأمین‌کننده نیازمندی‌های تقاضای مؤثر اجتماعی برخاسته از مکانیزم عرضه و تقاضا است که به دست نظام سرمایه‌داری است و این امر با رویکرد اقتصاد مردمی و عدالت‌محور دولت نهم در تضاد است.

▪ تحول نظام آموزشی و پژوهشی بر مبنای توزیع رفاه اجتماعی از طریق طراحی نقشه جامع علمی

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

■ شناسایی و حمایت از دانشمندان و ایجاد نشاط و انگیزه و خودباوری در نخبگان و استعدادهای درخشان برای فعال کردن نهضت تولید علم و نوآوری

آسیب‌شناسی الگوهای رفتاری نظام در این بخش که علت فرار مغزها می‌گردد باید شناسایی شده تا بتوان تناسب آن را با الگوی اقتصاد مردمی و مدیریت مردمی مورد بررسی مجدد قرار داد.

■ شناسایی و حمایت از دانشمندان و ایجاد عزم ملی در نخبگان و استعدادهای درخشان برای تئوریزه کردن مفهوم عدالت

■ توجه به نقش اساسی علوم انسانی در فرهنگ سازی بر مبنای جهان بینی اسلامی

«اعتقادات، فقه و اخلاق» موجود فردی بوده و قدرت کنترل جهت حاکم بر تولید علم و فن آوری را که سازمانی و اجتماعی است ندارد و بالمآل قدرت ملاحظه آن در بخش علوم انسانی کاربردی را ندارد.

■ تولید علوم انسانی و توجه به نقش آن با رویکرد جدید نظام فکری حکومت اسلامی

■ مدیریت دانش و روزآمد کردن علوم در کشور با توجه ویژه به فن آوری های نو و مشارکت در تولید علم در سطح جهانی

باید تناسب این سیاست با الگوی اقتصاد مردمی و مدیریت مردمی ملاحظه گردد. مهندسی مردمی در بخش اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و علمی با این سیاست هماهنگ نیست و تشدید کننده الگوی مصرف جامعه بوده، لذا تورم‌زا است.

■ مدیریت دانش و روزآمد کردن علوم و رشد متوازن آن‌ها با اولویت علوم انسانی و رویکرد جدید فرهنگی

■ ایجاد ارتباط شبکه ای بین علوم و رشد متوازن آنها

باید تناسب آن با الگوی اقتصاد مردمی و مدیریت مردمی ملاحظه گردد. مهندسی مردمی در بخش اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و علمی با این سیاست هماهنگ نیست. مطلق بودن آن باعث تشدید الگوی مصرف جامعه بوده، لذا تورم‌زا است.

(۱۱) توجه خاص به رفع نیازهای اساسی کشور (به منظور حفظ استقلال و تأمین خودکفایی)

(۱۱) توجه خاص به رفع نیازهای اساسی کشور (به منظور حفظ استقلال و تأمین خودکفایی)

■ شکستن مرزهای دانش با استفاده از راههای میان بر و کاربردی - بومی کردن علوم و فن آوری ها و تجاری سازی محصولات آنها

عنوان تجاری سازی محصولات آن‌ها با سیاست تحوّل در نظام تعلیم و تربیت منافات دارد.

■ شکستن مرزهای دانش با استفاده از راههای میان بر و کاربردی - بومی کردن علوم و فن آوری ها

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

■ ایجاد رابطه مؤثر بین دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و جامعه برای رفع نیازهای ملی

■ ایجاد رابطه مؤثر بین دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و جامعه برای رفع نیازهای ملی

■ توانمندسازی و مشارکت دادن بخش غیر دولتی در تولید علم و فن آوری

حضور بخش خصوصی در تولید علم و فن آوری به دلیل حاکمیت فرهنگ سودمحوری منافی با سیاست تحول در نظام تعلیم و تربیت است.

■ توانمندسازی و مشارکت دادن بخش تعاونی در تولید علم و فن آوری های متوسط

■ بهره گیری از توان علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج و دانشمندان جهان اسلام در برنامه ریزی ها و رفع نیازهای ملی

مطلق بودن آن با استقلال علمی و فرهنگی سازگاری ندارد و باعث فرار مغزها می شود.

■ بهره گیری از توان علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج و دانشمندان جهان اسلام در رفع نیازهای ویژه نظام

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
اقتصادی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی امور اقتصادی

(۱۲) تقویت تولید ثروت ملی و تأمین عدالت اجتماعی با اهتمام ویژه به اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

تکثیر ثروت در ادبیات مذهب از طریق اخلاق حسنه امضاء می‌گردد، لذا عدالت اجتماعی طریق رسیدن به ثروت ملی است. از طرف دیگر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با قیودات خاص زمانی و ساختاری خود در سیاست‌های اجرایی در لایحه باید منعقد گردد و به همین دلیل باید بتوان اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی را در سیاست‌های کلان تنزل داد.

(۱۲) تقویت و تثبیت تولید ثروت ملی از طریق تأمین عدالت اجتماعی با اهتمام ویژه به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی

▪ ارتقاء جایگاه و سهم بخش‌های غیردولتی بویژه تعاون در اقتصاد کشور با ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری تمامی آحاد مردم در زمینه‌های دارای مزیت‌های نسبی و رقابتی کشور و خلق مزیت‌های جدید جهت تأمین رزق حلال

بخش غیر دولتی شامل بخش خصوصی و بخش تعاونی است و رقابت این دو بخش در الگوهای اقتصاد غربی غیر ممکن است.

▪ ارتقاء جایگاه و سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور با ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری تمامی آحاد مردم در زمینه‌های دارای مزیت‌های نسبی به منظور تحقق عدالت اجتماعی

▪ ارتقاء امنیت سرمایه‌گذاری و تسهیل امر تولید و سرمایه‌گذاری برای حل مشکل اشتغال در کشور

«امنیت سرمایه» با روح احکام اسلام سازگار نبوده و از شئون حکومتی اسلام ایجاد امنیت برای کرامت انسانی است و اضرار به سرمایه فرد در صورت اضرار به کرامت انسانی هیچ مانعی ندارد.

▪ هدایت سرمایه‌گذاری و تسهیل در امر تولید برای حل مشکل اشتغال در کشور

▪ شفاف سازی، پایدار سازی و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و قوانین، احترام به مالکیت فردی و ارزش تلقی کردن تولید ثروت ملی مشروع و حلال

مطلق آوردن سیاست‌ها و قوانین و احترام به مالکیت فردی در وضع موجود که در آن، ادبیات کارشناسانه الگوهای اقتصاد غربی جاری است، با طراحی اقتصاد مردمی همگن نیست.

▪ شفاف‌سازی، پایدارسازی و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و قوانین، بعنوان شرایط تحقق نظام اقتصاد مردمی، احترام به مالکیت فردی و ارزش تلقی کردن تولید ثروت ملی مشروع و حلال

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ توزیع عادلانه امکانات و فرصتهای بوجود آمده از تغییر نقش دولت و توانمندسازی تمامی اقشار مردم برای پذیرش مسئولیت در عرصه اقتصاد

با الگوی مصرف موجود، علت بالارفتن انتظارات اجتماعی می شود، لذا تورمزا است.

▪ توزیع عادلانه امکانات و فرصتهای بوجود آمده از تغییر نقش دولت با الگوی مصرف غیر متنوع و توانمندسازی تمامی اقشار مردم برای پذیرش مسئولیت در عرصه اقتصاد

(۱۳) اعمال اصلاحات ساختاری و مدیریتی، بهبود محیط کسب و کار برای افزایش اشتغال، مهار تورم

(۱۳) اعمال اصلاحات ساختاری و مدیریتی، بهبود محیط کسب و کار برای افزایش اشتغال، مهار تورم

▪ اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور و بازار سرمایه با تأکید بر موازین شرع و سلامت، کارایی، شفافیت، ساده سازی و تقویت نظام نظارتی

عدم ترسیم ساختار بانکی جدید، ساختار بیمه جدید و ساختار جدید بورس‌ها به معنای تثبیت وضع موجود است. این امر به معنای طراحی ناقص در بخش اقتصاد مردمی است.

▪ هدایت نظام بانکی نسبت به نقدینگی از سود محوری به سمت ارائه خدمات مالی در جهت منافع ملی
▪ تقویت سیاستهای پولی براساس تولید ناخالص ملی و جلوگیری از هر نوع نشر اسکناس غیر قاعده‌مند

▪ اصلاح نظام مالیاتی و کاهش تدریجی وابستگی هزینه های جاری دولت به درآمد نفت و بهره گیری از درآمدهای نفتی در ایجاد داراییهای مولد

عدم ترسیم ساختار جدید مالیاتی به معنای طراحی ناقص بخش اقتصاد مردمی است. عدم ترسیم ساختار جدید اداری به معنای عدم قدرت ملاحظه نظام اداری و نظام اقتصادی در راندمان است و قابل تحقق نیست. همان طور که دشمنان ما نفت را کالای سیاسی تعریف می کنند، ضرورت دارد نفت به عنوان کالای سیاسی در راستای منافع اسلام و نظام تعیین شود.

▪ اصلاح نظام مالیاتی در راستای طرح های توسعه ای استان ها و هدایت طرح های عمرانی و ملی براساس استراتژی دفاع همه جانبه و ایجاد زیرساخت تحقق آن بوسیله بخش دولتی و درآمدهای نفتی

▪ استقرار نظام تشویق و تنبیه برای فعالان اقتصادی بر اساس اصول و ارزشهای اسلامی نظیر خوش قولی و خوش حسابی، امانتداری، توجه به اخلاق حرفه ای، رعایت قوانین و انجام معاملات حلال، و رعایت حقوق مردم

استقرار نظام تشویق و تنبیه به معنای طراحی نظام موازنه قدرت اقتصادی به عنوان شرایط مکاینزم عرضه و تقاضا است که معین کننده قیمت کالاهاست. از این رو، باید فرهنگ سودمحوری (اخلاق حرفه‌ای) جای خود را به رویکرد جدید در بخش فرهنگ بدهد.

▪ استقرار نظام تشویق و تنبیه برای فعالان اقتصادی بر اساس نیازمندیهای محرومین و مستضعفین داخل کشور و منطقه

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

■ اصلاح الگوی مصرف و تولید برای جلوگیری از اسراف و تبذیر و کاهش هزینه های تولید و هدفمند کردن یارانه ها

اصلاح الگوی تولید، توزیع و مصرف از طریق شکستن مبنای رفاه طلبی و تنوع گرایی میسر است.

■ اصلاح الگوی تولید، توزیع و مصرف از طریق فاصله گرفتن از فرهنگ تنوع گرایی و رفاه محوری

■ مهار تورم و افزایش قدرت خرید مستضعفان و کاهش فاصله بین دهکهای بالا و پایین جامعه با مراقبت و جلوگیری از نواسانات شدید قیمت در بازار

نقدینگی قدرت کنترل تورم را در ۲۹ سال گذشته نداشته، لذا ارتقاء انتظارات اجتماعی علت به وجود آمدن چالش بین متغیر کار و سرمایه در چهار بازار می گردد.

■ مهار تورم به معنای کاهش انتظارات اجتماعی از طریق اصلاح الگوهای تولید، توزیع، مصرف و افزایش قدرت خرید مستضعفان و کاهش فاصله بین دهکهای بالا و پایین جامعه با مراقبت و جلوگیری از نواسانات شدید قیمت در بازار

■ پشتیبانی از کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، تقویت ساختار رقابتی با اولویت لغو انحصارات غیر ضرور، رعایت اتقان و استواری تولید محصول

کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری با فرهنگ سودمحوری در ساختار رقابتی معنا می یابد که با رویکرد ارزشی در بخش فرهنگ ناهمگن است.

■ پشتیبانی از کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، با اولویت لغو انحصارات، رعایت اتقان و استواری تولید محصول از طریق الگوی تولید بر اساس صنعت متوسط، بادوام و فراگیر

۱۴) ایجاد ساز و کار مناسب برای نیل به رشد غیر تورمی شتابان با تکیه بر افزایش بهره وری و توسعه عدالت محور در چارچوب اصول آمایش سرزمین

عناوین ذیل این بخش به چارچوب آمایش سرزمین اشعار دارد و رشد غیر تورمی شتابان در سیاست های شماره ۱۲ و ۱۳ (مجموعاً) بیان شده است.

۱۴) چارچوب اصول آمایش سرزمین براساس توسعه عدالت محور

بسمه تعالی

استدلال خرد بر نقد و نقض

سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

▪ تقویت زیرساخت ها از جمله حمل و نقل و زیرساختهای تکنولوژیک و حمایت ویژه از گسترش سرمایه گذاری در زمینه های پر مزیت کشور (صنایع نفت و گاز و پتروشیمی)، انرژی (بویژه انرژی هسته ای)، فعالیتهای کشاورزی برای ایجاد خودکفایی و تأمین امنیت غذایی، مسکن بویژه حمایت از تأمین مسکن گروههای کم درآمد، آب، جهانگردی

دکترین زیرساخت ها باید از استراتژی دفاع همه جانبه تبعیت کند. نفت و صنایع وابسته به آن باید سیاسی تحلیل شوند. انرژی هسته ای نیز باید سیاسی تحلیل شود. فعالیتهای کشاورزی برای ایجاد خودکفایی با «صنعت مکانیزه» تورمزا است و ضد خودکفایی و محیط زیست است. لذا صنعت «متوسط، بادوام و فراگیر» پیشنهاد می شود. تأمین امنیت غذایی با تنوع آب و هوایی در ایران در شرایط بحران نیز مسأله زانمی باشد. مسکن با حفظ تنوع گرای در الگوی معماری تورمزا است. صنعت جهانگردی با رویکرد سودمحوری باید به صنعت زیارتی با رویکرد فرهنگی تغییر هویت یابد.

▪ تدوین دکترین زیرساخت های خدمات براساس چهارچوب اصول آمایش سرزمین توسعه عدالت محور

▪ تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد جهانی و توانمندسازی اقتصاد کشور برای توسعه صادرات و ورود قدرتمندانه به بازارهای خارجی برای تقویت تولید داخلی

با رویکرد دولت نهم با شعار عدالت محوری و اقتصاد مردمی با فرهنگ اقتصاد غربی تضاد مبنایی دارد و رویکرد اقتصاد ملی باید درون نگر باشد. لذا پیشنهاد می گردد این بند حذف شود.

▪ ایجاد توازن و تعادل منطقه ای برای کاهش سطح فقر و محرومیت

▪ ایجاد توازن و تعادل منطقه ای برای کاهش سطح فقر و محرومیت

▪ تقویت یکپارچگی سرزمین و وحدت ملی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی و تعامل سازنده میان ارزش های مثبت مناطق گوناگون کشور

این بند بدون تغییر به سیاست شماره ۳ در بخش فرهنگ منتقل شد.

▪ برنامه ریزی بر مبنای مدیریت زیست بومی، ارزش گذاری اقتصادی و ارزیابی اثرات زیست محیطی در طرحها و پروژه های اقتصادی برای پایش مستمر مسایل زیست محیطی و احیای منابع طبیعی

▪ برنامه ریزی بر مبنای مدیریت زیست بومی، ارزش گذاری اقتصادی و ارزیابی اثرات زیست محیطی در طرحها و پروژه های اقتصادی برای پایش مستمر مسایل زیست محیطی و احیای منابع طبیعی

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
سیاست داخلی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی در امور سیاست داخلی

۱۵) تحکیم مردم سالاری دینی با افزایش کارآمدی و انسجام قوای سه گانه، ارتقاء شاخص های امنیت عمومی و انضباط اجتماعی برای افزایش اعتماد و رضایتمندی عمومی

ضرورت تدوین تئوری ولایت مطلقه فقیه به جای تئوری قدرت برای نهادینه کردن آن در بدنه کارشناسی کشور به منظور پایداری و تحکیم مردم سالاری دینی در ادبیات علوم سیاسی.

۱۵) تحکیم مردم سالاری دینی با افزایش کارآمدی و انسجام قوای سه گانه، ارتقاء شاخص های امنیت عمومی و انضباط اجتماعی برای افزایش اعتماد و رضایتمندی عمومی براساس تئوری ولایت مطلقه فقیه

۱۶) بهبود سلامت فضای سیاسی با متعهد نمودن جریانات سیاسی به پایبندی و دفاع از منافع ملی، دشمن ستیزی، قانون پذیری و رعایت قاعده مندی و اصول اخلاقی در رقابت فیمابین

عدم تحلیل از سرفصل های رشد انقلاب سیاسی در ۲۹ سال گذشته علت تأکید بر تثبیت وضع موجود و پذیرش چالش های به وجود آمده می باشد.

۱۶) بهبود سلامت فضای سیاسی با متعهد نمودن جریانات سیاسی به پایبندی و دفاع از منافع ملی، دشمن ستیزی، قانون پذیری و اصول اخلاقی در رقابت فیمابین از طریق تبدیل تحزب گرایی سیاسی به تحزب گرایی فرهنگی

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
امنیتی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی در امور امنیتی

(۱۷) تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، متعالی، فراگیر و پیش‌برنده اهداف و منافع ملی

عدم تئوریزه شدن اطلاعات ۳۶ میلیونی یعنی طراحی اطلاعات مردمی علت تغییر رویکرد امنیت انقلابی به امنیت ملی.

(۱۷) تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، متعالی، فراگیر و پیش‌برنده اهداف و منافع اسلام، انقلاب و نظام

■ تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی، و قضائی برای تأمین اشراف اطلاعاتی و صیانت از امنیت و حریم فردی و عمومی و تشدید مقابله با عناصر تروریست، جرایم سازمان یافته و مفسد اقتصادی و اجتماعی و تهدیدات نرم.

عدم تئوریزه شدن اطلاعات ۳۶ میلیونی یعنی طراحی اطلاعات مردمی علت تغییر رویکرد امنیت انقلابی به امنیت ملی.

■ تقویت دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی، و قضائی از طریق مهندسی اطلاعات مردمی و تشدید مقابله با عناصر تروریست، جرایم سازمان یافته و مفسد اقتصادی و اجتماعی و تهدیدات نرم.

■ ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعات جمعیتی و ارتقاء حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای و فضای تبادل اطلاعات و تقویت توان فنی برای مقابله با تخلفات در فضاهای مجازی

عدم تئوریزه شدن اطلاعات ۳۶ میلیونی یعنی طراحی اطلاعات مردمی علت تغییر رویکرد امنیت انقلاب به امنیت ملی
علت حذف این بند است.

■ تقویت زیرساخت‌های انسجام و همبستگی ملی در راستای مقابله با جریان‌ات و رویکردهایی که موجب بروز و تعمیق گسست‌های هویتی، اجتماعی و اعتقادی می‌گردد.

اسلام و انقلاب، معرف هویت جامعه اسلامی و انقلابی ملت دلاور ایران است و این امر موجب همبستگی و مقابله با گسست‌ها می‌گردد.

■ تقویت زیرساخت‌های انسجام اسلامی و همبستگی انقلابی در راستای مقابله با جریان‌ات و رویکردهایی که موجب بروز و تعمیق گسست‌های هویتی، اجتماعی و اعتقادی می‌گردد.

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
دفاعی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی در امور دفاعی

۱۸) ارتقاء توانمندی های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با هر تهدید خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای

عدم تئوریزه شدن ارتش بیست میلیونی یعنی طراحی نظام دفاع مردمی علت تغییر رویکرد دفاعی از اسلام و انقلاب به حاکمیت و منافع ملی.

۱۸) ارتقاء توانمندی های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت اسلام، منافع و امنیت انقلاب و مقابله مؤثر با هر تهدید خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای

▪ تقویت دیپلماسی دفاعی در شکل دهی به پیمان‌ها و ائتلاف‌های دفاعی دو و چند جانبه در محیط‌های پیرامونی و گسترش روابط با ارتش‌های کشورهای اسلامی و دوست

▪ تقویت دیپلماسی دفاعی در شکل دهی به پیمان‌ها و ائتلاف‌های دفاعی دو و چند جانبه در محیط‌های پیرامونی و گسترش روابط با ارتش‌های کشورهای اسلامی و دوست

▪ سرآمدی در کسب دانش و فناوری‌های نو و پیشرفته دفاعی در منطقه و نوسازی و بازسازی صنایع دفاع، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های صنعتی کشور

ضرورت هماهنگی بافت صنایع دفاعی با استراتژی صنعت نظام با نگاه استقلالی و درون‌گرایی به آن و اصل بودن قطع وابستگی‌ها در عرصه صنعت و علم و فن‌آوری.

▪ سرآمدی در کسب دانش و فناوری‌های نو و پیشرفته دفاعی در منطقه و نوسازی و بازسازی صنایع دفاع مردمی، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های صنعتی کشور

▪ ساماندهی ترکیب جمعیت و مرزها و سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس و توجه ویژه به مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در استقرار امنیت و دفاع از کشور

▪ حضور در فضا و تقویت توانمندی‌های دانشی و نرم‌افزاری لازم در مقابله با جنگ‌های سایبری

▪ تامین پدافند غیر عامل حیاتی و حساس

به دلیل ضرورت هماهنگی بافت صنایع دفاعی با استراتژی صنعت نظام با نگاه استقلالی و درون‌گرایی به آن و اصل بودن قطع وابستگی‌ها در عرصه صنعت و علم و فن‌آوری حذف می‌شود.

▪ توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

▪ توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
سیاست خارجی

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی در امور سیاست خارجی

۱۹) تقویت انسجام اسلامی و همگرایی با کشورهای اسلامی در جهت تشکیل قطب جهان اسلام و گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهد بر اساس منافع ملی و مصالح نظام اسلامی و برقراری مناسبات عادلانه برای مقابله با نظام تک قطبی و امپراطوری نظام سلطه جهانی

اسلامیت انقلاب معرف کیفیت مقابله اخلاقی نظام مبارک جمهوری اسلامی با نظام استکبار است و برخورد با نظام تک قطبی و امپراطوری نظام سلطه جهانی به معنای ائتلاف مادی بر سر معادلات قدرت جهانی بوده و این رویکرد با اندیشه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری منافات دارد.

۱۹) تقویت انسجام اسلامی و همگرایی با کشورهای اسلامی در جهت تشکیل قطب جهان اسلام و گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهد بر اساس منافع ملی و مصالح نظام اسلامی و برقراری مناسبات عادلانه برای مقابله با نظام استکبار

■ جلب مشارکت کشورهای منطقه در طراحی، ایجاد و تقویت نهادها و تشکلهای منطقه‌ای برای سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های مشترک در زمینه‌های مختلف به ویژه برنامه‌ریزی، علمی، فنی، پژوهشی، فرهنگی، اقتصادی، مالی و زیربنایی و زیست محیطی در راستای تأمین منافع مشترک منطقه‌ای.

تغییر رویکرد فرهنگی نسبت به تأمین نیازمندی‌های مادی با نگاه درون‌گرا - طراحی اقتصاد مردمی - علت تغییر رویکرد سیاست خارجی از حول قدرت‌های غربی به طرف کشورهای مستقل و غیر متعهد است.

■ جلب مشارکت کشورهای منطقه در طراحی، ایجاد و تقویت نهادها و تشکلهای منطقه‌ای برای سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های مشترک در زمینه‌های مختلف به ویژه برنامه‌ریزی، علمی، فنی، پژوهشی، اقتصادی، مالی و زیربنایی و زیست محیطی در راستای تأمین منافع مشترک منطقه‌ای با کشورهای مستقل و غیر متعهد

۲۰) گسترش و تداوم روابط بین‌الملل بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت، مصلحت و ارتقاء و بهره‌گیری از دیپلماسی در تأمین منافع ملی

ضرورت تدوین تئوری ولایت مطلقه فقیه به جای تئوری قدرت برای نهادینه کردن آن در بدنه کارشناسی کشور به منظور پایداری و تحکیم مردم‌سالاری دینی در ادبیات علوم سیاسی و ضرورت تحمیل کردن ادبیات اسلامی علوم سیاسی بر ادبیات سیاسی رایج دنیا.

۲۰) گسترش و تداوم روابط بین‌الملل بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت، مصلحت و ارتقاء و بهره‌گیری از دیپلماسی در تأمین منافع اسلام

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

■ حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای جهت ارتقای نقش جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های جهانی و ایجاد تحول در رویه‌های موجود

توجه به استحکام پایه سیاسی نظام مبارک جمهوری اسلامی به دلیل تکیه به حقایق اسلام و سست بودن پایه سیاسی فلسفه دموکراسی به دلیل تکیه به روابط کفر و شرک.

■ حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای براساس درخواست‌های نظام جمهوری اسلامی از قوانین بین‌المللی در موضوع حقوق بشر، زنان و فاصله طبقاتی و ...

■ تقویت تعامل حقوقی، سیاسی، اقتصادی با جهان به ویژه حوزه‌های تمدنی اسلامی - ایرانی منطقه.

حضور مدیریتی ایران در منطقه و بین‌الملل بر روابط عدل استوار است، نه تقسیم منافع دنیایی بر اساس تنازع بر سر دنیا. پیشنهاد حذف این بند داده می‌شود.

■ ارتقاء نقش مدیریتی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های پیشرفته و کاهش وابستگی به سیستم پولی نظام سلطه.

حضور مدیریتی ایران در منطقه و بین‌الملل بر روابط عدل استوار است، نه تقسیم منافع دنیایی بر اساس تنازع بر سر دنیا.

■ ارتقاء نقش سیاسی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های متوسط در منطقه و کاهش وابستگی به سیستم پولی نظام سلطه.

■ معرفی چهره راستین انقلاب اسلامی به جهان و تقویت پیوندهای فرهنگی و تاریخی حوزه تمدن ایران و مقابله با عملیات روانی و سلطه خبری استکبار

لازمه‌های اعلامی کلمه حق برخورد با مظالم و دفاع از محرومین و مستضعفین است.

■ ساماندهی سیاسی نسبت به مظالم جاری بر امت جهان اسلام

■ دفاع رسانه‌ای از حقوق مسلمانان، مظلومان و محرومین

نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
اداری و مدیریتی

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی در امور اداری و مدیریتی

(۲۱) طراحی و استقرار نظام مدیریت اسلامی، تحول‌گرا بر پایه عقلانیت- معنویت و عدالت با محوریت انسان الهی

(۲۱) طراحی و استقرار نظام مدیریت اسلامی، تحول‌گرا بر پایه عقلانیت- معنویت و عدالت با محوریت انسان الهی

- کاهش تصدی دولت و ساده‌سازی فرایندها، طراحی کلیه اقدامات دولت بر محور خدمت، برپایی دولتی مقتدر، کم هزینه - پرفایده، پرکار، با حضور کارآمد در قلمرو امور حاکمیتی برای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

امور حاکمیتی و اداری باید بتواند همه بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را پوشش دهد، لذا مقید شدن بخش اداری و مدیریتی به تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به معنای نگاه اقتصادی به بخش اداری و با داشتن رویکرد فرهنگی و مدیریت انقلابی- اسلامی همگن نیست.

- کاهش تصدی دولت و ساده‌سازی فرایندها، طراحی کلیه اقدامات دولت بر محور خدمت، برپایی دولتی مقتدر، کم هزینه - پرفایده، پرکار، با حضور کارآمد در قلمرو امور حاکمیتی با الگوی جدید مدیریت مردمی (مدیریت استانی)

- جذب نخبگان متعهد و تقویت نیروی انسانی مؤمن، انقلابی، ایثارگر و مسئولیت پذیر و استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کارشناسی و مدیریتی کشور بر پایه تعهد و شایسته‌سالاری

مفهوم سالاریت مخصوص خدای متعال است و برای بندگان خود منزلت خلافت و خدمتگزاری معنا دارد، لذا تدوین الگوی اسلامی تحقیر و تجلیل، علت جریان ایمان در مناصب اداری می‌شود.

- جذب نخبگان متعهد و تقویت نیروی انسانی مؤمن، انقلابی، ایثارگر و مسئولیت پذیر و استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کارشناسی و مدیریتی کشور بر پایه الگوی توبیخ و تشویق اسلامی (برخورد رحمت‌آمیز با کارگران و کارمندان و ... و برخورد قاطع با مدیران ارشد)

- تفویض اختیارات مناسب به سطوح منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش مشارکت سازمان یافته مردم در امور کشور با حفظ اصل تمرکز امور سیاست‌گذاری و حاکمیتی در دولت مرکزی

- تفویض اختیارات مناسب به سطوح منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش مشارکت سازمان یافته مردم در امور کشور با حفظ اصل تمرکز امور سیاست‌گذاری و حاکمیتی در دولت مرکزی

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

۲۲) طراحی نظام جامع نظارت و ارزیابی امور مبتنی بر تحقق اهداف دولت اسلامی، اجرای برنامه‌ها و تحقق تصمیمات نظام با استفاده از فناوری‌های نوین و نگرش سیستمی و با استقرار پایگاه اطلاعاتی کشور

اطلاق این بند در اجرای برنامه‌ها و تحقق تصمیمات نظام با استفاده از فن‌آوری‌های نوین و نگرش سیستمی و با استقرار پایگاه اطلاعاتی کشور در شهرها با اهداف چشم‌انداز و طراحی نظام جامع نظارت و ارزیابی امور مبتنی بر تحقق اهداف دولت اسلامی ناهمگن است. زیرا در سیستم مدیریت ارگانیزه، نظارت از مرکزیت آغاز و در بدنه مدیران میانی و کارگران در پایین ایجاد اخلاق می‌کند.

۲۲) طراحی نظام جامع نظارت و ارزیابی امور مبتنی بر تحقق اهداف دولت اسلامی، اجرای برنامه‌ها و تحقق تصمیمات نظام با استفاده از فناوری‌های نوین در مرکز و نگرش سیستمی در استان‌ها و با استقرار پایگاه اطلاعاتی کشور در شهرها

■ نظارت و ارزیابی بر مبنای شاخصه‌های رفتاری و عملکردی در سطوح خرد و کلان مبتنی بر مفاهیم و احکام اسلامی

شاخص‌های رفتاری و عملکرد بخش اداری و مدیریتی از مقوله علوم جامعه‌شناختی بوده و با احکام «فردی» اسلام قابل کنترل و ارزیابی و نظارت نیست.

■ نظارت و ارزیابی بر مبنای شاخصه‌های رفتاری و عملکردی در سطوح خرد و کلان مبتنی بر جامعه‌شناسی اسلامی

■ ارتقاء سلامت اداری، کاهش فاصله بین مدیران و مردم و رفع تبعیض و حاکم ساختن اخلاق و آموزه‌های اسلامی بر ارزش‌های اداری برای افزایش رضایت‌مندی و اعتماد عمومی

شاخص‌های رفتاری و عملکرد بخش اداری و مدیریتی از مقوله علوم جامعه‌شناختی بوده و با احکام فردی اسلام قابل کنترل و ارزیابی و نظارت نیست.

■ ارتقاء سلامت اداری، کاهش فاصله بین مدیران و مردم و رفع تبعیض و رضایتمندی و اعتماد عمومی براساس مهندسی مدیریت مردمی (مدیریت استانی)

■ (الف) شفاف سازی و تنظیم و تناسب اختیارات با مسئولیت‌ها، ارتقاء سطح پاسخگویی و (ب) استقرار نظام تشویق و تنبیه بر اساس موازین اسلامی و (ج) صیانت از بیت‌المال و پرهیز از اسراف و تبذیر

عبارت تفکیک شده و بند ب به بند دوم از سیاست شماره ۲۱ منتقل شده است.

■ شفاف سازی و تنظیم و تناسب اختیارات با مسئولیت‌ها، ارتقاء سطح پاسخگویی و صیانت از بیت‌المال و پرهیز از اسراف و تبذیر

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
قضایی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاست‌های کلی در امور قضایی و تقنینی

(۲۳) اصلاح و تقویت ساختار نظام قضایی کشور برای تحقق تکامل معیارهای اسلامی قضاوت

(۲۳) اصلاح و تقویت ساختار نظام قضایی کشور برای تحقق تکامل معیارهای اسلامی قضاوت

■ تضمین عدالت و تأمین امنیت قضایی، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و اهتمام ویژه در این امر برای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

نگاه اقتصادی به وجدان عمومی در بخش قضا با مبانی اسلام منافات دارد.

■ تضمین عدالت و تأمین امنیت قضایی، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، حفظ کرامت انسانی از طریق هدایت وجدان عمومی برای ایجاد امنیت فرهنگی حول عدالت‌محوری به جای امنیت سرمایه‌داری

■ رسیدگی با دقت و بدون اطاله دادرسی، کم هزینه، منصفانه و قاطع با تأکید بر ارتقاء توانمندی‌ها و استقلال قضات و طراحی نظام نظارت دقیق و قانون‌مند برای تمامی مراحل رسیدگی

تثبیت وضعیت موجود در حجم بالای پرونده‌ها بدون آسیب‌شناسی ریشه‌ای در تولید جرائم قابل قبول نیست.

■ آسیب‌شناسی ریشه‌های جرائم و بالا بودن حجم پرونده‌های قضایی و حل مبنایی چالش آن و رسیدگی با دقت و بدون اطاله دادرسی، کم هزینه، منصفانه و قاطع با تأکید بر ارتقاء توانمندی‌ها و استقلال قضات و طراحی نظام نظارت دقیق و قانون‌مند برای تمامی مراحل رسیدگی

**نقد و نقض
سیاست‌های کلی در امور
تقنینی**

بسمه تعالی
استدلال خرد بر نقد و نقض
سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

سیاستهای کلی در امور تقنینی

۲۴) رعایت اولویت قانون گذاری در امور مصرح در قانون اساسی و پرهیز از امور جزئی، تنقیح قوانین موجود در جهت انطباق کامل با معیارهای شرعی و قانون اساسی، روان سازی امور، شفافیت حقوق مردم و حاکمیت، انطباق با نیازهای واقعی جامعه و نظارت بر اجرای کامل قوانین برای ارتقاء امنیت عمومی در سایه قانون گرایی

لازم است این سیاست به صورت مفصل تحلیل و بهینه شود. به جای آن، سیاست ذیل همراه با چهار بند درونی پیشنهاد می شود.

۲۴) نگاه به امور تقنینی از منظر فرهنگ انقلاب

- رعایت اولویت قانون گذاری در امور مصرح در قانون اساسی و پرهیز از امور جزئی
- تنقیح قوانین در جهت انطباق کامل با معیارهای شرعی و قانون اساسی
- روان سازی امور، شفافیت حقوق مردم و حاکمیت، انطباق با نیازهای واقعی جامعه
- نظارت بر اجرای کامل قوانین برای ارتقاء امنیت عمومی در سایه قانون گرایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصلاحیه پیشنهادی

نسبت به

سیاست‌های کلی پیشنهادی

برنامه پنجم سازندگی

مصوب دولت نهم

حسینیه اندیشه

ویرایش پنجم

بهمن ۱۳۸۶

سرپرست پژوهش: حجة الاسلام والمسلمين صدوق

پژوهشگران: حجة الاسلام موسوی موشح
برادر علی رضا انجم شعاع
حجة الاسلام احمد زیبایی نژاد
حجة الاسلام روح الله صدوق

کارشناسان: برادر محمد صادق حیدری
مهندس حامد یزدانی
حجة الاسلام علی کشوری
حجة الاسلام مجید گودرزی
برادر رسول ساکی
برادر علی محمدی
برادر محمدرضا حسینی نیافر
برادر حسین چمن خواه
سرکار خانم ع. کشتکاران
برادر یحیی عبداللہی
برادر حسنوند
حجة الاسلام سید امیر حسین آل یاسین

تولید: ۱۳۸۶/۱۱/۱۴

نگارش: پنجم

تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۱۱/۱۶

گروه علمی: گروه پژوهش های تطبیقی

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

سیاست‌های کلی امور فرهنگی - اجتماعی

(۱) تکمیل و نهادینه‌سازی انقلاب فرهنگی، انسجام و هم‌افزایی سامانه انقلاب فرهنگی در چارچوب پیوست فرهنگی بر مبنای فرآیند با تأکید بر:

- ترویج و تقویت فرهنگ انقلاب
- ضرورت ملاحظه ساختارهای سیاسی و اقتصادی از منظر ساختار فرهنگی
- تبدیل نظام آموزشی از مدرک‌گرایی به کارآمدی در راستای اهداف انقلاب
- تحول نظام تربیتی از مُدگرایی به فرهنگ انقلاب
- احیاء نقش نهادها و کانونهای انقلابی با الگوی مصرف انقلابی در تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

(۲) نهادینه‌سازی و تثبیت فضائل اخلاقی و آداب و سنن اسلامی بر پایه ساماندهی تأمین محتوای فرهنگ‌سازی با محوریت قرآن و مکتب اهل بیت (ع) با تأکید بر:

- ضرورت تدوین فلسفه تاریخ الهی و بینش حکومت اسلامی برای پایدارسازی باورها، و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی
- استخراج الگوی رفتاری مدیریت حادثه‌سازی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری برای حل چالش‌های کلان نظام
- حرکت به سوی زندگی اسلامی براساس جامعه‌شناسی الهی
- تعمیق ارزشی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای در قالب الگوی جدید خبرسازی، تحکیم انتظارات و شاخصه‌های تکامل اجتماعی

(۳) حضور بر مبنای مقاومت در جریان‌سازی فرهنگی با رصد مستمر و دشمن شناسانه و مصونیت‌بخشی در برابر فرهنگ معارض و مهاجم استکباری به عنوان سیاست حاکم بخش فرهنگ با تأکید بر:

- پیشگیری از بروز تضادها و جابجایی در نظام ارزشی از طریق به وحدت رساندن سه ادبیات حوزه، دانشگاه و انقلاب بعنوان راهبرد حضور بر مبنای مقاومت
- تقویت هویت اسلامی - ایرانی و بسترسازی جهت مرجعیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان به ویژه دنیای اسلام
- تقویت و تحکیم هویت انقلابی ملت شریف ایران مبتنی بر رشد تنفر از نظام استکباری
- تقویت و تعظیم مستمر شعائر، نمادها و هنر فاخر اسلامی و حفظ و ارتقای جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی بعنوان تنها زبان هدایت امت جهان اسلام در قرن حاضر
- تقویت یکپارچگی سرزمین و وحدت ملی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی و تعامل سازنده میان ارزش‌های مثبت مناطق گوناگون کشور

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

۴) گسترش عدالت در دسترس و بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی:

- ایجاد امکان بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه از فرصت‌ها و امکانات، با اولویت مناطق محروم و اقشار مستضعف از طریق الگوی مصرف انقلابی
- توسعه صنایع فرهنگی و گسترش کمی و کیفی آثار و فعالیتهای هنری و ادبی دفاع مقدس، فرهنگ انقلاب و فرهنگ مقاومت ملت دلاور ایران و تمام ملت‌های آزاده جهان اسلام
- گسترش دسترسی به فناوری‌های نوپدید نرم و سخت بویژه در رسانه ملی برای دستگاه رهبری و دولت اسلامی

۵) گسترش خدمات اجتماعی با تأکید بر:

- داوطلبانه بودن بیمه فراگیر و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی
- تأمین، حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی براساس الگوهای تغذیه، بهداشت و درمان با رویکرد جدید اقتصادی - فرهنگی
- تقویت فرهنگ وجدان کاری و اهتمام به تربیت بدنی با اولویت ورزش همگانی

۶) تقویت نقش و صیانت از جایگاه خانواده با تأکید بر:

- برنامه‌ریزی برای کاهش سن ازدواج برای پایدار کردن نهاد خانواده
- تسهیل ازدواج به هنگام بوسيله تبدیل ساختار حقوقی ازدواج دائم به ازدواج موقت
- تحکیم بنیان خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانواده بر پایه کارآمدی اخلاقی نهاد خانواده
- اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی بانوان بر اساس رویکرد جدید ساختار حقوقی جدید در ازدواج

۷) توجه ویژه به جوانان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر:

- توجه به مقتضیات دوره جوانی، نیازها و تواناییهای جوانان و فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی آنان (براساس بندهای سیاست ۶)
- نهادینه‌سازی خدمت مقدس سربازی در قالب بسیج مستضعفین و داوطلبانه بودن آن
- ساماندهی امور جوانان بویژه مهارت‌های زندگی و مشارکتهای اجتماعی، اشتغال، مسکن و تحصیل براساس الگوی مصرف انقلابی
- مدیریت و نهادینه‌سازی امنیت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق تحقق ساختار جدید ازدواج و ریشه‌کن کردن مواد مخدر

۸) اهتمام به تأمین حقوق و رعایت تکالیف اجتماعی با تأکید بر:

- صیانت از حریم عمومی و خصوصی و آزادی‌های مشروع و قانونی و تقویت و ارتقای سطح احساس امنیت اجتماعی و اخلاقی
- تقویت انضباط اجتماعی، روحیه تعاون و قانون‌گرایی و تقویت ضمانت حقوقی فعالیت نهادهای نظارتی مردمی

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

سیاست‌های کلی امور علمی و فن‌آوری

۹) حاکم کردن نظام فکری حکومت اسلامی بر جهت‌گیری‌های علم و فن‌آوری از طریق:

- تبیین نظام فکری حکومت اسلامی و ابتناء دانشها و فن‌آوری‌ها بر اساس بینش اجتماعی اسلام
- تعمیق معرفت دینی از طریق ذوب شدن منطق نظری حوزه و منطق کاربردی دانشگاه در یکدیگر؛ بر اساس نظریه حضرت امام(ره)

۱۰) تبیین رویکرد نقشه جامع علمی کشور بعنوان مبنای الگوهای «تولید، تجارت و صنعت» با رویکرد جدید اقتصاد مردمی با تاکید بر:

- شناسایی و حمایت از دانشمندان و ایجاد عزم ملی در نخبگان و استعدادها درخشان برای تئوریزه کردن مفهوم عدالت
- تولید علوم انسانی و توجه به نقش آن با رویکرد جدید نظام فکری حکومت اسلامی
- مدیریت دانش و روزآمد کردن علوم و رشد متوازن آنها با اولویت علوم انسانی و رویکرد جدید فرهنگی

۱۱) توجه خاص به رفع نیازهای اساسی کشور (به منظور حفظ استقلال و تأمین خودکفایی)

- شکستن مرزهای دانش با استفاده از راه‌های میان بر و کاربردی - بومی کردن علوم و فن‌آوری‌ها
- ایجاد رابطه مؤثر دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و جامعه برای رفع نیازهای ملی
- توانمندسازی و مشارکت دادن بخش تعاونی در تولید علم و فن‌آوری‌های متوسط
- بهره‌گیری از توان علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج و دانشمندان جهان اسلام در رفع نیازهای ویژه نظام

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

سیاست‌های کلی امور اقتصادی

۱۲) تقویت و تثبیت تولید ثروت ملی از طریق تأمین عدالت اجتماعی با اهتمام ویژه به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی

- ارتقاء جایگاه و سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور با ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری تمامی آحاد مردم در زمینه های دارای مزیت های نسبی به منظور تحقق عدالت اجتماعی
- هدایت سرمایه‌گذاری و تسهیل در امر تولید برای حل مشکل اشتغال در کشور
- شفاف‌سازی، پایداری و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و قوانین، بعنوان شرایط تحقق نظام اقتصاد مردمی، احترام به مالکیت فردی و ارزش تلقی کردن تولید ثروت ملی مشروع و حلال
- توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های بوجود آمده از تغییر نقش دولت با الگوی مصرف غیر متنوع و توانمندسازی تمامی اقشار مردم برای پذیرش مسئولیت در عرصه اقتصاد

۱۳) اعمال اصلاحات ساختاری و مدیریتی، بهبود محیط کسب و کار برای افزایش اشتغال، مهار تورم

- مهار تورم به معنای کاهش انتظارات اجتماعی از طریق اصلاح الگوهای تولید، توزیع، مصرف و افزایش قدرت خرید مستضعفان و کاهش فاصله بین دهک‌های بالا و پایین جامعه با مراقبت و جلوگیری از نوسانات شدید قیمت در بازار
- هدایت نظام بانکی نسبت به نقدینگی از سود محوری به سمت ارائه خدمات مالی در جهت منافع ملی
- تقویت سیاست‌های پولی براساس تولید ناخالص ملی و جلوگیری از هر نوع نشر اسکناس غیر قاعده‌مند
- اصلاح الگوی تولید، توزیع و مصرف از طریق فاصله گرفتن از فرهنگ تنوع‌گرایی و رفاه محوری
- پشتیبانی از کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، با اولویت لغو انحصارات، رعایت اتقان و استواری تولید محصول از طریق الگوی تولید بر اساس صنعت متوسط، بادوام و فراگیر
- اصلاح نظام مالیاتی در راستای طرح‌های توسعه‌ای استان‌ها و هدایت طرح‌های عمرانی و ملی براساس استراتژی دفاع همه‌جانبه و ایجاد زیرساخت تحقق آن بوسیله بخش دولتی و درآمدهای نفتی
- استقرار نظام تشویق و تنبیه برای فعالان اقتصادی بر اساس نیازمندی‌های محرومین و مستضعفین داخل کشور و منطقه

۱۴) چارچوب اصول آمایش سرزمین براساس توسعه عدالت محور

- تدوین دکرترین زیرساخت‌های خدمات براساس چهارچوب اصول آمایش سرزمین بر اساس توسعه عدالت محور
- ایجاد توازن و تعادل منطقه ای برای کاهش سطح فقر و محرومیت
- برنامه‌ریزی بر مبنای مدیریت زیست بومی، ارزش گذاری اقتصادی و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در طرح‌ها و پروژه های اقتصادی برای پایش مستمر مسایل زیست‌محیطی و احیای منابع طبیعی

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

سیاستهای کلی در امور سیاست داخلی

۱۵) تحکیم مردم سالاری دینی با افزایش کارآمدی و انسجام قوای سه گانه، ارتقاء شاخص های امنیت عمومی و انضباط اجتماعی برای افزایش اعتماد و رضایتمندی عمومی براساس تئوری ولایت مطلقه فقیه

۱۶) بهبود سلامت فضای سیاسی با متعهد نمودن جریانات سیاسی به پابندی و دفاع از منافع ملی، دشمن ستیزی، قانون پذیری و اصول اخلاقی در رقابت فیمابین از طریق تبدیل تحزب گرایی سیاسی به تحزب گرایی فرهنگی

سیاستهای کلی در امور امنیتی

- ۱۷) تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، متعالی، فراگیر و پیش برنده اهداف و منافع اسلام، انقلاب و نظام
- تقویت دستگاه های اطلاعاتی، انتظامی، و قضائی از طریق مهندسی اطلاعات مردمی و تشدید مقابله با عناصر تروریست، جرایم سازمان یافته و مفاسد اقتصادی و اجتماعی و تهدیدات نرم
 - تقویت زیرساخت های انسجام اسلامی و همبستگی انقلابی در راستای مقابله با جریانات و رویکردهایی که موجب بروز و تعمیق گسست های هویتی، اجتماعی و اعتقادی می گردد.

سیاستهای کلی در امور دفاعی

۱۸) ارتقاء توانمندی های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت اسلام، منافع و امنیت انقلاب و مقابله مؤثر با هر تهدید خارجی و ایجاد توازن منطقه ای

- تقویت دیپلماسی دفاعی در شکل دهی به پیمان ها و ائتلاف های دفاعی دو و چند جانبه در محیط های پیرامونی و گسترش روابط با ارتش های کشورهای اسلامی و دوست
- سرآمدی در کسب دانش و فناوری های نو و پیشرفته دفاعی در منطقه و نوسازی و بازسازی صنایع دفاع مردمی، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره مندی از ظرفیت های صنعتی کشور
- توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

سیاستهای کلی در امور سیاست خارجی

۱۹) تقویت انسجام اسلامی و همگرایی با کشورهای اسلامی در جهت تشکیل قطب جهان اسلام و گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهد بر اساس منافع ملی و مصالح نظام اسلامی و برقراری مناسبات عادلانه برای مقابله با نظام استکبار

- جلب مشارکت کشورهای منطقه در طراحی، ایجاد و تقویت نهادها و تشکلهای منطقه‌ای برای سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های مشترک در زمینه‌های مختلف به ویژه برنامه‌ریزی، علمی، فنی، پژوهشی، اقتصادی، مالی و زیربنایی و زیست محیطی در راستای تأمین منافع مشترک منطقه‌ای با کشورهای مستقل و غیرمتعهد

۲۰) گسترش و تداوم روابط بین الملل بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت، مصلحت و ارتقاء و بهره‌گیری از دیپلماسی در تأمین منافع اسلام

- حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای براساس درخواست‌های نظام جمهوری اسلامی از قوانین بین‌المللی در موضوع حقوق بشر، زنان و فاصله طبقاتی و ...
- ارتقاء نقش سیاسی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های متوسط در منطقه و کاهش وابستگی به سیستم پولی نظام سلطه
- ساماندهی سیاسی نسبت به مظالم جاری بر امت جهان اسلام
- دفاع رسانه‌ای از حقوق مسلمانان، مظلومان و محرومین

سیاستهای کلی در امور اداری و مدیریتی

۲۱) طراحی و استقرار نظام مدیریت اسلامی، تحول‌گرا بر پایه عقلانیت - معنویت و عدالت با محوریت انسان الهی

- کاهش تصدی دولت و ساده‌سازی فرآیندها، طراحی کلیه اقدامات دولت بر محور خدمت، برپایی دولتی مقتدر، کم هزینه - پرفایده، پرکار، با حضور کارآمد در قلمرو امور حاکمیتی با الگوی جدید مدیریت مردمی (مدیریت استانی)
- جذب نخبگان متعهد و تقویت نیروی انسانی مؤمن، انقلابی، ایثارگر و مسئولیت‌پذیر و استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کارشناسی و مدیریتی کشور بر پایه الگوی توبیخ و تشویق اسلامی (برخورد رحمت‌آمیز با کارگران و کارمندان و ... و برخورد قاطع با مدیران ارشد)
- تفویض اختیارات مناسب به سطوح منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش مشارکت سازمان یافته مردم در امور کشور با حفظ اصل تمرکز امور سیاست‌گذاری و حاکمیتی در دولت مرکزی

بسمه تعالی
اصلاحیه پیشنهادی نسبت به
سیاستهای کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی (ویرایش پنجم)

(۲۲) طراحی نظام جامع نظارت و ارزیابی امور مبتنی بر تحقق اهداف دولت اسلامی، اجرای برنامه ها و تحقق تصمیمات نظام با استفاده از فناوری های نوین در مرکز و نگرش سیستمی در استان ها و با استقرار پایگاه اطلاعاتی کشور در شهرها

- نظارت و ارزیابی بر مبنای شاخصهای رفتاری و عملکردی در سطوح خرد و کلان مبتنی بر جامعه شناسی اسلامی
- ارتقاء سلامت اداری، کاهش فاصله بین مدیران و مردم و رفع تبعیض و رضایتمندی و اعتماد عمومی براساس مهندسی مدیریت مردمی (مدیریت استانی)
- شفاف سازی و تنظیم و تناسب اختیارات با مسئولیت ها، ارتقاء سطح پاسخگویی و صیانت از بیت المال و پرهیز از اسراف و تبذیر

سیاستهای کلی در امور قضایی و تقنینی

(۲۳) اصلاح و تقویت ساختار نظام قضایی کشور برای تحقق تکامل معیارهای اسلامی قضاوت

- تضمین عدالت و تأمین امنیت قضایی، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، حفظ کرامت انسانی از طریق هدایت وجدان عمومی برای ایجاد امنیت فرهنگی حول عدالت محوری به جای امنیت سرمایه داری
- آسیب شناسی ریشه های جرائم و بالا بودن حجم پرونده های قضایی و حل مبنایی چالش آن و رسیدگی با دقت و بدون اطاله دادرسی، کم هزینه، منصفانه و قاطع با تأکید بر ارتقاء توانمندی ها و استقلال قضات و طراحی نظام نظارت دقیق و قانون مند برای تمامی مراحل رسیدگی

(۲۴) نگاه به امور تقنینی از منظر فرهنگ انقلاب

- رعایت اولویت قانون گذاری در امور مصرح در قانون اساسی و پرهیز از امور جزئی
- تنقیح قوانین در جهت انطباق کامل با معیارهای شرعی و قانون اساسی
- روان سازی امور، شفافیت حقوق مردم و حاکمیت، انطباق با نیازهای واقعی جامعه
- نظارت بر اجرای کامل قوانین برای ارتقاء امنیت عمومی در سایه قانون گرایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسناد پژوهشی

استدلال

بر اصلاحیه پیشنهادی

نسبت به

سیاست‌های کلی پیشنهادی

برنامه پنجم سازندگی

مصوب دولت نهم

دفتر حسینیه اندیشه

بهمن ۱۳۸۶

سرپرست پژوهش: حجة الاسلام والمسلمين صدوق

پژوهشگران: حجة الاسلام موسوی موشح (سرپرست محتوا)
برادر علی رضا انجم شعاع (کارشناس محتوا)
حجة الاسلام احمد زیبایی نژاد (سرپرست برنامه)
حجة الاسلام روح الله صدوق (سرپرست سازمان)

کارشناسان: برادر محمد صادق حیدری
مهندس حامد یزدانی
حجة الاسلام علی کشوری
حجة الاسلام مجید گودرزی
برادر رسول ساکی
برادر علی محمدی
برادر محمدرضا حسینی نیافر
برادر حسین چمن خواه
سرکار خانم ع. کشتکاران
برادر یحیی عبداللهی
برادر حسنونند
حجة الاسلام سید امیر حسین آل یاسین

تولید: ۱۳۸۶/۱۱/۱۳

نگارش: چهارم

تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۱۱/۱۶

گروه علمی: گروه پژوهشهای تطبیقی - گروه مدل برنامه

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی

نگاه اول به سیاست‌های کلی پیشنهادی برنامه پنجم سازندگی نشان می‌دهد که این مجموعه برای ادامه «سازندگی» تهیه شده، اما سازندگی در اینجا به معنای جدیدی مد نظر بوده است. در واقع آنچه از رفتار دولت نهم قابل استنباط است ما را به این نتیجه می‌رساند که سازندگی در این دولت به معنای «تعمیم آبادانی با رویکرد مستضعف‌گرایی» است. اما سؤال اینجاست که آیا این معنا در سطح سند چشم‌انداز مطرح می‌شود یا مربوط به لایحه برنامه پنجم است. یعنی اگر رسیدن به جایگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری منطقه از طریق سازندگی مورد نظر است، عنوان «برنامه پنجم سازندگی» با «ربط لایحه به سند چشم‌انداز» هماهنگ است و نه با عنوان اصلی «لایحه». به تعبیر دیگر ابتدا باید هدف از لایحه روشن شود و سپس ربط آن به برنامه چهارم و برنامه‌هایی که در مسیر تحقق سند چشم‌انداز هستند، واضح گردد. به عنوان مثال در لایحه برنامه چهارم، استراتژی آن ترسیم شده است و اولین گام برای رسیدن به «توسعه همه جانبه و پایدار»، «رشد پایدار اقتصادی دانایی محور» قرار داده شده است. برای برنامه پنجم «تثبیت مبانی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی»، برای برنامه ششم «توسعه پایدار و دانش بنیان کشور» و برای برنامه آخر «تعمیم عدالت اجتماعی» به عنوان اهداف برنامه‌ها مطرح شده است. پس اشکال اول این است که ارتباط لایحه به اسناد بالادستی روشن نیست.

اشکال دوم آن است که سازندگی با چه مدلی انجام خواهد پذیرفت؟ در واقع نمی‌توان «مدل برنامه» نداشت. اگر صحبت از مدل برنامه خاصی به میان نیاید، عملاً از مدل برنامه موجود غربی استفاده شده و تغییری در آن رخ نخواهد داد و استراتژی کل برنامه‌ها که در سند چشم‌انداز «تعمیم آبادانی» است، به وسیله مدل کارشناسی موجود انجام خواهد گرفت. به تعبیر دیگر تمامی کارشناسان قائلند که از نظر علمی، بیشتر از دو کارشناسی برای بحث توسعه وجود ندارد:

۱. کارشناسی شرقی

۲. کارشناسی غربی

یک کارشناسی، سازندگی را با مدل دولتی انجام می‌دهد و یک کارشناسی، آبادانی و توسعه همه جانبه را به وسیله بخش خصوصی و نظام سرمایه‌داری محقق می‌کند. بنابراین از نظر علمی، غیر از این دو کارشناسی - غیر از مدلی که دفتر فرهنگستان ارائه داده است - کارشناسی دیگری وجود ندارد و هر سند و برنامه‌ای که تدوین شود ماشین حرکت آن از نظر تخصصی و کارکرد یا از نوع شرقی است و یا از نوع غربی.

نکته دیگر آن که روح حاکم بر این سیاست‌ها، وارد کردن نظام ارزشی، شعار عدالت، احکام دین و باورهای دینی و انقلابی در این مجموعه و مقید کردن برنامه به این امور است. در ابتدای انقلاب، ساختار قانون اساسی با «عدم مخالفت با شرع» کنترل می‌شد و اسلامیت مدل برنامه - که نیازمندی‌های مادی مردم را تأمین می‌کرده است - به عدم مخالفت

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

تعریف گردید. ده سال بعد مجمع تشخیص مصلحت با این هدف در قانون اساسی تعبیه شد که با تنظیم سیاست‌های کلان نظام، متکفل جریان اسلامیت در اداره شود اما در آن زمان علیرغم جمع شدن عده‌ای از متخصصین حوزه و دانشگاه و معتمدین، عملاً تغییری در مدل برنامه به وجود نیامد و ماشینی که از دوره‌های گذشته به راه افتاده بود، به حرکت خود ادامه داد.

در ادامه این روند و در دولت نهم، این بار نوبت احیاء شعار عدالت، ارزشها و فرهنگ دین در برنامه پنجم و مقید کردن مدل برنامه به آن است؛ اموری که طی ۱۶ سال برنامه‌های سازندگی و توسعه سیاسی منزوی شده بودند. پس روح حاکم بر این سیاست‌ها به دنبال این هدف است، اما اموری که در بخش فرهنگی آمده، مهندسی ماشین (مدل) دیگری در امر سازندگی نیست زیرا در تنظیم قیدهایی که در بخش فرهنگ آمده، یا از ادبیات حوزه و یا از ادبیات دانشگاه استفاده شده است و نظام در این ۲۹ سال، از مجراهایی، فرهنگ حوزه و فرهنگ دانشگاه و فرهنگ انقلاب را اعمال کرده است. در دستگاه سیاسی کشور، از طریق شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و تنفیذ رهبری در ارتباط با قوه مجریه این کار انجام شده است. قوه مقننه نیز به وسیله مردم و به صورت مردمی شکل می‌گیرد و در قوه قضائیه هم، عزل و نصب جریان دارد. اینها، مجاری سیاسی این روند هستند. مجاری فرهنگی این روند نیز مختلف است و می‌توان از حضور نمایندگان حوزه و دانشگاه در شورای عالی انقلاب فرهنگی تا وارد کردن ادبیات حوزه به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه و تدریس آن به عنوان واحد درسی نام برد.

در واقع در بخش فرهنگی و اجتماعی، همه بضاعت پژوهش و تبلیغ حوزه وارد میدان شده و بخشی که در آن از ادبیات حوزه استفاده شده، کارآمدی خود را در این ۲۹ سال نشان داده است که همانا عدم ارائه یک مدل جدید است. آنچه محقق شده ناظر به احکام و اخلاق و فقه فردی بوده و پرورش منابع نیروی انسانی به صورت فرد و عنصر دنبال شده است.

اما از سوی دیگر، ساختارهای برنامه (غربی) هم جاری بوده و یک نوع «عرفان اجتماعی» را به وجود آورده است، یعنی به وسیله ساختارهای برنامه و تکنولوژی، پرورش نیروی انسانی انجام شده است و به همین دلیل انسان‌هایی دو شخصیتی پدید آمده‌اند: وقتی که به عبادات فردی می‌پردازند، تحت چارچوب ادبیات حوزه عمل می‌کنند و وقتی به مسئولیت اجتماعی خود عمل می‌کنند، بر اساس هویت تخصصی خود، این کار را انجام می‌دهند و نه بر اساس هویت مذهبی. در واقع الگوی سازمان اداری و استخدامی کشور در ایجاد، بهینه و تأثیرپذیری، تعاملی با هویت تکاملی مذهبی برقرار نکرده است. پس آنچه در این سیاست‌ها دیده می‌شود، تنها مشروط کردن «مصرف تمدن موجود» با قیودی جدید است و نه تئوریزه کردن انقلاب اسلامی.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

از این رو، همان طور که در بخش سیاسی و فرهنگی این تقییدات انجام شده، در صحنه عینیت هم در موازات سران سه قوه، «رهبری» قرار داده شده است. هم چنین در کنار استناداران، «ائمه جمعه»، در کنار وزیران علوم و بهداشت، «نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها» و در کنار فرمانده سپاه، «دفتر نمایندگی ولی فقیه» قرار داده شده است. پس با اینکه در کنار ساختارها خط موازی ایجاد شده است اما حاصل آن، چیزی جز ادامه کار ماشین مدل برنامه نبوده است.

از سوی دیگر فهم از این ماشین نیز، یکی از مشکلات محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد مباحث حضرت آیه‌الله مرحوم سید منیرالدین حسینی الهاشمی (ره) ۱ پیرامون «تحلیل نظام سرمایه‌داری در سه سطح خرد، کلان و توسعه» ۲ به معنای فهم از ماشین برنامه است و تئوریزه شدن توسعه همه جانبه و پایدار در دستگاه سرمایه‌داری در آن ارائه شده است. علاوه بر آن کیفیت انحلال مدل برنامه موجود در دستگاه جدید الهی نیز روشن شده است که آن، تعریف تکامل اجتماعی بر مبنای دین و ولایت اجتماعی است. بر اساس این تعریف و شناخت صحیح از وضع موجود و وضع مطلوب، می‌توان این ماشین (غربی) را در ماشین جدید الهی منحل کرد.

اشکال دیگر، اشکالی روشی است مبنی بر این‌که: مدل برنامه، واسطه بین تعاریف (تعریف انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و...) با «تکامل» است. حال باید دید که آیا این روند در این سیاست‌ها اتفاق افتاده است یا نه؟ پس بحث روشی و متدولوژی در سیاستهای کلان، بحث مدل برنامه است و بحث فلسفی آن نیز، بررسی کلیه تعاریف است.

در سیاست اول سیاست‌های کلی امور فرهنگی و اجتماعی آمده است: «تکمیل و نهادینه‌سازی مهندسی فرهنگی کشور؛ انسجام و هم‌افزایی سامانه‌ی مدیریت فرهنگی در چارچوب پیوست فرهنگی بر مبنای فرآیند با تأکید بر...» حال سؤال می‌کنیم: «فرهنگی» یعنی چه و تعریف فرهنگ چیست؟ بر اساس ادبیات حوزه ۳، فرهنگ به عنوان یکی از اعتبارات تعریف شده است و در مدیریت هم، مدیریت مولویت مطرح می‌شود. پس تعاریف حوزه مشخص است.

اما در دستگاه غرب، فرهنگ به «نظام مفاهیم، هنجارها و ناهنجارها و مصنوعات» تعریف می‌شود. این تعریف فرهنگ در دستگاه دانشگاه است و با ماشین طراحی شده برای سازندگی هماهنگ است و البته تعریفی است مادی؛ همان طور که مدل و ماشین برنامه هم مادی است و هر دو هم به تعریف تکامل مادی باز می‌گردند. پس در آن، هم تعریف ارائه شده و هم مراحل گفته شده و هم فرآیند مطرح شده است. بنابراین، بر روح آن، همان آسیب ادبیات حوزه و دانشگاه – که در اینجا طراحی شده – نمایان می‌شود.

۱. بنیانگذار دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم

۲. کتاب بررسی فرهنگ حاکم بر برنامه از طریق تحلیل نظام سرمایه‌داری در سه سطح خرد، کلان و توسعه

۳. مقاله ششم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

توضیح آن که، وقتی در سیاست ۲ بند ۱ گفته می‌شود: «تعمیق فرهنگ ولایت و انتظار»؛ یکی از اشکالات فلسفی آن این است که «تعمیق فرهنگ ولایت» چه تعریفی دارد؟ انتظار به چه معناست؟ برای پاسخ به این سؤالات، به «فلسفه تاریخ» احتیاج داریم. یعنی باید بتوان برای روند حرکت انبیاء از حضرت آدم (ع) تا آخر، تقسیم‌بندی عقلانی ارائه کرد. پس این که فقط به صورت روایی گفته شود: «شما باید به ظهور اعتقاد داشته باشید» چه اثری در ولایت اجتماعی امروز و سیاست‌های کلان و مدیریت نظام دارد؟ «اثر» این باور دینی در برنامه و مدیریت نظام چیست؟ اینجاست که فلسفه تاریخ باید برای مشخص کردن جایگاه فلسفه علوم اجتماعی اسلامی وارد میدان شود. اگر این مطلب در جامعه‌شناسی معین نگردد، معلوم نخواهد شد در چه مرحله‌ای از اخلاق اجتماعی هستیم؛ باید از کجا عبور کنیم و به کجا برویم. بنابراین این اشکال به تعاریف مربوط می‌شود.

البته بعضی اشکال‌ها نیز مصداقی است که به عناوینی مانند فلسفه تاریخ، دولت اسلامی، طرح جامع نظام و سندهای بالا دست حاکم بر سند چشم‌انداز باز می‌گردد. به طور کلی باید گفت سند چشم‌انداز باید بتواند هدف خود را در لایحه جریان داده و بالاتر از آن باید با سندهای بالادستی (فلسفه حاکم بر علوم اسلامی) هماهنگ باشد. توضیح آنکه، این علوم اجتماعی به سندهایی می‌رسد که از طریق این سندها بتوان سیاست‌ها را تنظیم و اجرا کرد. بنابراین اشکالاتی به این معنا نیز وارد است.

اما در بخش روش، بحث ماشین اداره و مدل است. اگر گفته می‌شود: «باید سازندگی کرد و نیازهای مادی مردم را پاسخ داد»، باید توجه داشت که قطعاً امروز نیازمندی‌های مادی مردم به صورت عرفی پاسخ داده نمی‌شود، بلکه باید بصورت علمی حل شود. یعنی برنامه باید دارای مدل (ماشین) باشد. همان طور که امروز جابه‌جا شدن از یک نقطه به نقطه دیگر نیز باید از ماشین استفاده کرد، مسافرت به وسیله‌ی چهارپایان نیست و در بین راه نیز کاروان‌سرا وجود ندارد، بلکه ترمینال‌های حمل و نقل ایجاد شده است.

در اداره کشور نیز همین مسأله قابل تعمیم است. از این رو اگر ادبیات کارشناسی، شرقی است، دولت سهم اصلی را در سازندگی داراست و اگر کارشناسی از نوع غربی است، بخش خصوصی (نظام سرمایه‌داری) سهم اصلی را خواهد داشت. حال اگر از نظر مبانی اسلامی نیز، نیاز به یک ماشین ضروری است، این ماشین کدام است؟ در واقع بعد از معرفی مطلوب‌ها، در عمل به عینیت، نیاز به این ماشین اداره ملموس بوده و باید بتوان طی یک فرآیند، این ماشین (غربی یا شرقی) را از خط خارج کرده و ماشین خود (اسلامی) را جایگزین کرد. پس اولین اشکال مربوط به بحث روشی است و دومین اشکال، اشکال‌های فلسفی (در تعاریف) است.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

حال که مدل برنامه واسطه‌ی بین تکامل و تعاریف است، باید همه‌ی این تعاریف مورد بررسی و تأمل قرار گیرد و مشخص شود که این تعاریف از کجا آمده است. اگر از ادبیات حوزه استفاده شده که این ادبیات در این بیست و نه سال قدرت عملکرد خود را ارائه داده است و اگر از ادبیات دانشگاه استفاده شده، آن نیز تجارب خودش را در دنیا و ایران نشان داده است. تضاد بین این دو ادبیات نیز روشن بوده و تک تک اینها در سیاست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر بررسی می‌شود:

کدام یک سند بالادستی است و کدام پایین دستی.

در بحث‌های مصداقی، کدام یک مصداق مصرف تمدن است و کدام یک تورم‌زا و کدام غیر قابل تحقق است.

به طور مثال، عنوانی که در احکام فردی است، ربطی به ساختارها ندارد؛ در حالی که باید بحث اخلاق را در ساختار برنامه – همان بخشی که به عنوان حرکت اجتماعی مطرح می‌شود – ملاحظه کرد و توجه داشت که در جریان فرماندهی و فرمانبری در نظام سرمایه‌داری، اخلاق «حسد» است که الگوی مصرف را کنترل می‌کند. آنچه تولید را مبنای قطب توسعه قرار می‌دهد نیز، «حرص» است؛ زیرا لازمه تولید انبوه و مصرف انبوه، حرص اجتماعی می‌باشد. پس موتور اقتصاد نظام سرمایه‌داری، حرص اجتماعی است؛ حرص یک کارگر و حرص یک مدیر.

البته در این مثال، بحث اخلاق دنبال نمی‌شود، بلکه فقط این که چه اوصافی، وصف جامعه و وصف ساختارهای برنامه قرار گرفته است؛ بررسی می‌شود. پس این سیاست‌ها (که صرفاً آرمانی و فردی است) در جامعه محقق نمی‌شود و تحقق آن، تنها تحقق در فرد است. حتی در فرد نیز به دلیل اینکه دو فرهنگ اعمال می‌شود، افرادی دو شخصیتی پرورش می‌یابند که این، یک اشکال کلان است.

البته اگر مرحوم استاد حسینی (ره) فلسفه شدن اسلامی، زیرساخت بحث جامعه‌شناسی، زیرساخت مدل و مدل تنظیم برنامه و... را تولید نکرده بود، امروز نه می‌شد چیزی را نقد کرد و نه تحلیل زیرا همان امری که برای نقد، پایه قرار می‌گیرد، پایه تحلیل نیز هست.

بحث سوم، فرآیند ادبیات انقلاب و ملاحظه عملکرد آن است. پس باید در این سیاست‌ها، بندهای مربوط به ادبیات انقلاب را از ادبیات حوزه و دانشگاه تفکیک کرد؛ مانند سیاست ۲ بند ۲: «بکارگیری عملی اندیشه‌های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری». یعنی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در ایجاد و حفظ انقلاب، رفتاری داشته‌اند که باید آنها را مرور کرد. به طور مثال حضرت امام (ره) در ایجاد اصل انقلاب، تئوری پیروزی خون بر شمشیر را به کار گرفتند؛ یعنی نه به

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

تئوری‌های نبرد مسلحانه عمل کردند و نه به تئوری‌های پارلمانتاریستی. هر چند هر دو تئوری علمی هستند؛ یعنی احتیاج به تکنولوژی و نرم‌افزارهای مخصوص داشته و مرحله به مرحله آنها، دارای فرآیند می‌باشد؛ اما امام (ره) از راهکار «پیروزی خون بر شمشیر» استفاده کردند؛ ولی این راهکار باید تئوریزه شده و در تمام سطوح نظام تعمیم یابد. البته بعد از پیروزی انقلاب نیز این تئوری ایماناً به کارگیری شده است، ولی از آن معادله‌ای استخراج نشده تا بتوان با آن، مبارزه‌های دیگر را پیش‌بینی کرد و مثلاً آن را در عراق یا لبنان پیاده نمود. پس آنچه تاکنون اتفاق افتاده است، با عنایت حضرت حق – جلت عظمته – و وجود مبارک حضرت ولی عصر – عجل الله تعالی فرجه الشریف – بوده که البته این، از «آیات الهی» است.

پس در ایران، مدیریت انقلاب بر این اساس بود و این رویه در جنگ نیز ادامه یافت. در واقع، جنگ بر اساس معادلات اندیشه حضرت امام (ره) اداره شد و ریشه کن کردن ضد انقلاب در داخل کشور نیز به همین وسیله انجام گرفت. به تعبیر دیگر ارتش بیست میلیونی به معنای بسیج و سپاه شکل گرفت و حضرت امام (ره) با ایجاد این دو نهاد انقلابی توانست مردم را در صحنه حاضر کرده و ریشه غده‌های چرکین را در درون و بیرون خشک کند.

علاوه بر این، در مقوله خدمات به محرومین و مستضعفین نیز، امام (ره) نهادهایی را به وجود آورد که نه در الگوی مصرف سرمایه‌داری و نه الگوی دستگاه شرقی (اقتصاد دولتی)، بلکه همگی بر اساس فرهنگ عاشورا و فرهنگ مذهب عمل کردند. امروز نیز مقام معظم رهبری با قدرت و اخلاق، قشر جوان را در صحنه نگاه داشته و با حضور خود در دانشگاه‌ها و مطرح کردن مباحث اساسی، از سست شدن اخلاق دانشگاه جلوگیری می‌کنند که به نظر می‌رسد این رفتارها «روش عملکرد اخلاقی» را روشن می‌کند. از این رو و بر اساس این روش، مدیریت نظام و حل معضلات آن نباید به وسیله جمع‌شدن دوستان و یک همدلی سطحی انجام شود؛ زیرا امام (ره) در موضوعات حساس و بزرگ، به صورت علنی عزم ملی ایجاد کرده و با این عزم، دو دستگاه کارشناسی غربی و شرقی را منزوی می‌کردند تا به این وسیله با راه حلی عملی، نظام به پیش رود.

بر این اساس ملاحظه گردید که چقدر متخصص در دفاع مقدس (اعم از پزشکان، مهندسان و...) حاضر شدند و به نظام کمک کردند. در همه اصناف، متخصصین – حتی تخصص‌های جغرافیایی و غیر مرتبط با جنگ – درگیر جنگ شدند و کمک کردند؛ یعنی جنگ غیر کلاسیک همه تخصص‌ها را به خود جذب می‌کرد. لذا با تفکر بسیجی جنگ پیروز شد.

پس این روش خود امام (ره) بود که وقتی موضوع، اصلی می‌شد، وسط میدان آمده و کار را مدیریت کرده و جلو می‌بردند. از این رو اگر خواستار استمرار این روش و برخورداری از قدرت پیش‌بینی و تعمیم آن می‌باشیم، (یعنی در زمان و

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

مکان دوام داشته باشد؛ نه در وهله!) باید تبدیل به یک عقلانیت شود. این «عقلانیت، معنویت، عدالت» ی که در سیاست ۲۱ با عنوان «طراحی و استقرار نظام مدیریت اسلامی، تحول‌گرا بر پایه عقلانیت – معنویت و عدالت با محوریت انسان الهی» آمده است، به همین معناست؛ یعنی ادبیات انقلاب چگونه تئوریزه شود؟ اگر تئوریزه نشود، نمی‌توان به افق برنامه‌ریزی در سطح پنج ساله و افق بیست ساله رسید. زیرا امروز، آنچه به صورت الهی واقع می‌شود، فقط در «جهت نظام» است، نه در ساختار برنامه! چون ساختار برنامه، احتیاج به عقلانیت دارد. کاری که امام (ره) انجام داد، مشارکت مردم در مکان بود و اگر بخواهید در زمان این کار را انجام دهید، یعنی افق را به بیست سال، پنجاه سال و... بکشانید به طوری که مردم نیز بیست ساله یا پنجاه ساله و... با شما هماهنگ شوند، احتیاج به «عقلانیت و منطق» دارد.

اینکه آقای دکتر داوودی می‌گویند فلان وزیر، یا مدیر کل حرف آقای رئیس جمهور را گوش نمی‌کند، به این دلیل است که عقلانیت هماهنگ کننده آنها، وجود ندارد. پس اگر بخواهند هماهنگ عمل کنند، باید با عقلانیت حرکت کنند. زیرا فقط به پیامبر(ص) وحی می‌شود و بقیه باید با بضاعت عقلی حرکت کنند. البته پیامبر(ص) نیز باید بقیه را تربیت کند. لذا باید عقلانیتی وجود داشته باشد تا به بقیه توضیح و شرح دهد و دیگران نیز بتوانند مشارکت کنند. لذا سیر هدایت برای غیر معصوم از طریق عقلانیت است. آن کسی (ولی فقیه) هم که محور قرار می‌گیرد، قطعاً عقلانیت اوست که محور قرار می‌گیرد، چون به مقام معظم رهبری هم وحی نمی‌شود. البته به ایشان امداد الهی می‌شود، ولی ایشان باید با مکانیزم عقلانیت با مردم صحبت کنند. پس عقلانیت ایشان نیز مورد پرورش وجود مبارک حضرت ولی عصر – عجل الله تعالی فرجه الشریف – است. یعنی مرتب تفقه ایشان را بالا می‌برند و سایه تفقه ایشان روی عقلانیت دیگران می‌افتد تا دیگران بتوانند مشارکت کنند.

پس به طور کلی در این سیاست‌ها، مدل برنامه جدیدی (الهی) تولید نشده و همچنین مدل برنامه‌ای که از گذشته وجود داشته و مردم بر آن سوار هستند، نیز مورد نقد قرار نگرفته است.

اشکال دوم، اشکال فلسفی بود و در مورد خود تعاریف است که از سه منظر ادبیات حوزه، ادبیات دانشگاه و ادبیات انقلاب مطرح شد و در مورد ادبیات انقلاب آورده شد که چرا در گذشت زمان، شعار امام (ره) کمرنگ می‌شود و با وجود رهنمودهای مقام معظم رهبری، چرا نهادهایی که باعث نجات انقلاب بودند، در ساختارهای ماشین (مدل) موجود منحل شده‌اند.

پس باید ابتدا تحلیل شود که چرا سپاه این وضع را پیدا کرده، چرا کمیته امداد و جهاد سازندگی در دستگاه موجود منحل شدند، چرا وزارت سپاه در وزارت دفاع در این شکل کنونی منحل شده است؟! چرا کمیته در شهربانی منحل شد؟!

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

چرا بسیجی‌ها بعد از جنگ، بازاری شدند، نه بازار بسیجی؟! زیرا اگر تمدن موجود پذیرفته شود، ساختارهای اخلاقی خود را تحمیل می‌کند و الگوی مصرف این نهادهای انقلابی عوض می‌شود. یعنی یک بسیجی با الگوی مصرف ایثار و جهاد می‌جنگید، ولی بعد از جنگ، با شعار سازندگی، الگوی غربی به او دیکته شد و در نتیجه، اهرم‌های آن هم عوض شد.

لذا این معضلات با کلمه تعاون و مسئولیت‌پذیری، صله رحم و از این قبیل حرف‌ها حل نمی‌شود. باید دید اینها چگونه وصف ساختارهای برنامه می‌شود. البته نمی‌توان دفعته‌اً این کار را انجام داد؛ به طور مثال نمی‌توان دفعته‌اً «حیا» را به زنان داد و حال آنکه ساختارهای برنامه، «برهنگی» را از آن‌ها بخواهد! این‌ها چگونه می‌خواهند با هم هماهنگ شوند؟! دائماً در تلویزیون این تبلیغ می‌شود که ارتباط زن و مرد عادی است و باید با هم راحت صحبت کنند؛ در حالی که فرهنگ دینی ما این گونه نیست، بلکه ارتباط بین زن و مرد دارای حد و حدود شرعی است و لذا این حرف در دستگاه موجود محقق نمی‌شود، زیرا دستگاه موجود هم زن را کالا می‌بیند و هم مرد را به شکل کالا نگاه می‌کند و برای او نیز همجنس‌بازی را تجویز می‌کند. لذا برای اینکه انگیزه تولید کاهش نیابد، هر قانونی را وضع می‌کند و هر ساختاری را که لازم باشد برای آن مهندسی می‌کند. در نتیجه سجده بر ثروت و امثال آن واقع می‌شود.

در نتیجه باید ضرورت تئوریزه شدن مفهوم عدالت مورد دقت قرار بگیرد. یعنی باید ابتدا عدالت تئوریزه شود و سپس در سیاست‌های کلان آن، ابزاری می‌تواند آن را به صورت علمی مدیریت کند که مدل داشته و می‌تواند نظام مطلوب را ترسیم کند تا در وضع موجود سر در گم نشود.

بر اساس استدلالات قبلی، بیان شد که مدل موجود «اقتصاد محور» است، لذا باید از نقد سیاست‌های اقتصادی آغاز نمود. البته در مباحث قبلی نیز همین بحث به صورت تأسیسی بیان شد که تعریف توسعه تعاملی است و نیازمند مدل است، و در مدل نیز بیان شد که ابتدا باید شیب آن را تغییر داد. سپس الگوی رفتار تمدن رنسانس و انقلاب به هم تطبیق داده شد و بعد از آن چهار هدف به صورت تأسیسی ایجاد گردید و بر اساس این ۴ هدف، سیاست‌های کلی پیشنهاد شد. در سیاست‌های کلان پیشنهادی آمده است که در این ۲۹ سال، نظام، الگوی انتظارات را بالا برده است (تحلیل گرانی) و ملتی که تمام در آمد خود را مصرف می‌کند، به جایگاه اول اقتصادی نخواهد رسید؛ یعنی بر اساس این آسیب‌شناسی است که سیاست‌های پیشنهادی تدوین شده است.

پس باید با تحلیل از وضع موجود، حرکت به سمت وضع مطلوب انجام شود. البته آن هم نه وضع موجودی که ادبیات توسعه تحلیل می‌کند، بلکه وضع موجودی که از رفتار انقلاب، در این ماشین جدید (الهی) تحلیل شده است.

مطلب بعد این است که این «ماشین (مدل) توسعه همه جانبه» از رفتار انقلاب تحلیل ندارد. در غیر این صورت به این

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

نتیجه می‌رسید که تورم و گرانی به این دلیل نهادینه شده که گستاخی انقلابی وارد الگوی مصرف شده است. لذا تغییر جهت در مدل حاکم بر لایحه‌ی برنامه چهارم و پنجم و همه‌ی برنامه‌ها تا سند چشم‌انداز به همین معناست. اگر این آسیب‌شناسی پذیرفته شود، لازمه آن مهندسی جدید است. یعنی ناهنجاری‌ها در بخش اقتصاد نهادینه شده است و اقتصاد نیز حاکم بر تبیین سیاست‌ها و کل سند چشم‌انداز می‌شود. به همین دلیل شروع آن باید از بخش اقتصاد باشد، زیرا این بخش است که به نظام تحمیل می‌شود.

در ابتدای بررسی، این سؤال مطرح می‌شود که علت اینکه فرهنگ را در ابتدا آمده و بعد از آن، علم و فناوری اقتصادی ذکر شده، چیست؟ البته این، هم در سیاست‌های ابلاغی و هم در این جا موجود است.

در ادبیات انقلاب و حضرت امام (ره)، از ابتدای وقوع انقلاب و تهدید سیاسی از داخل و خارج، جنگ مسأله‌ی اصلی کشور شد. بعد از جنگ، ایشان استراتژی دفاع همه جانبه را مطرح کردند و بعد از آن بود که بحث سازندگی مطرح شد. بعد از رحلت امام (ره)، از روزی که مقام معظم رهبری این پرچم را به دست گرفته‌اند، یک حرف اصلی وجود داشته و به تبع آن به امورات سایر قوا می‌پرداخته‌اند و آن بحث «تهاجم فرهنگی» بوده است. از ابتدای رهبری این را فرموده‌اند و به همه نیز اعلام کرده‌اند که چهره مبارزه عوض شده است؛ یعنی ما همیشه در عرصه نظامی نمی‌جنگیم، بلکه باید در عرصه‌های دیگر نیز جنگید. این حرف ایشان است. در تهاجم فرهنگی باید برای دفاع فرهنگی آماده شد. اکنون بعد از طی شدن دوره‌های سازندگی و توسعه سیاسی، برای دولت نهم یک چیز واضح شده است که باید مدلی نیازمندی‌های مردم را تأمین کند که آثار فرهنگی داشته باشد. به همین دلیل است که آقایان در حال ایجاد یک صحنه برای فرهنگ هستند و به این علت است که فرهنگ در ابتدا آمده است. پس پذیرفته شده که اگر به تمدن امروز عمل کنیم، آثار فرهنگی خود را دارد. البته در نظر دفتر فرهنگستان علوم اسلامی که «اقتصاد محور بودن تأمین نیازمندی‌های مردم»، فرهنگ خود را تحمیل می‌کند. بنابراین می‌توان همانند آنها، از فرهنگ آغاز کرد و موانع آن را نشان داد، یعنی باید از مدل برنامه که اقتصاد محور است، شروع کرد و آثار فرهنگی آن را نشان داد.

در توضیح این بحث باید گفت همان گونه که در صنعت ساختمان‌سازی بایستی قبل از بنای ساختمان، پیش‌بینی فشارهای وارده را محاسبه و نقطه‌های ثقل در بنا ملاحظه شود، در جامعه‌ای که در همه‌ی شئون مردم حاضر است نیز، ساختارهای برنامه به معنای نقشه‌ی پی، ستون و سقف آن جامعه است. پی این ساختمان به کلمه «توسعه همه جانبه پایدار» باز می‌گردد که این سه دسته موضوع و شناژ دارد که همان سه ستون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی است و همه فشارها به این ستون‌ها بر می‌گردد. البته باید توجه داشت که این سه، اجتماعی است؛ یعنی در صحبت از برنامه،

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

خصلت‌های فرد مورد توجه نیست، بلکه از مهندسی جامعه و لوازمات آن بحث می‌شود. در نتیجه اوصاف ذکر شده در این جا، مثل مهرورزی و قناعت، اوصاف فردی است.

مسأله‌ی دیگری که باید مد نظر قرار داد اینست که عمل به احکام با اقامه احکام متفاوت است. ضابطه عمل به احکام رساله‌های عملیه است؛ اما ضوابط اقامه احکام، ضوابط مبارزه و مقاومت است و البته در همه‌ی دنیا این گونه است؛ یعنی روابط عملی با برنامه‌ها متفاوت است.

در بخش فرهنگی سیاست‌های کلی پیشنهادی و تحت عنوان «سیاست‌های کلی امور فرهنگی - اجتماعی»، هشت عنوان وجود دارد. در اینجا باید به چند نکته توجه داشت. نکته اول این که تا وقتی از فرهنگ حوزه، فرهنگ دانشگاه و آثار فرهنگی انقلاب تحلیل درستی ارائه نشده، صحبت از «مهندسی فرهنگی» بی‌فایده است و با تحلیل این بخش‌هاست که مفهوم مهندسی فرهنگ مشخص می‌گردد.

نکته دوم اینکه در این سیاست‌ها «مهندسی فرهنگ» (شماره ۱) از ادبیات دانشگاه اخذ شده است، در سیاست شماره ۲، «نهاده‌ی سازی فضایل اخلاقی و آداب و سنن اسلامی» از ادبیات حوزه گرفته شده و سیاست شماره ۳ مربوط به ادبیات انقلاب است. در نتیجه این سه ادبیات بگونه‌ای با هم تلفیق شده و مدلی در آن مشخص نیست و بر یک پایه، هماهنگ نشده است. بنابراین بخش فرهنگی به سه قسمت «حوزه، دانشگاه و انقلاب» تقسیم می‌شود.

سیاست‌های بعدی مانند «گسترش عدالت، گسترش خدمات و تقویت نقش صیانت از جایگاه خانواده و توجه ویژه به جوانان» ارائه‌ی انواع خدمات اجتماعی در مقابله با عوارض اجتماعی است. در حالیکه این عوارض، حاصل عدم وحدت سه ادبیات «حوزه، دانشگاه و انقلاب» به وسیله یک منطق واحد است همان طور که این سیاست‌ها نیز بر اساس یک نوع «همدلی» و نه «همفکری» تدوین شده است. به دلیل همین ناهماهنگی فکری است که افراد مختلف، یکدیگر را به بی‌سوادی و بی‌تقوایی متهم می‌کنند و عوارضی که در سیاست‌های شماره ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ ذکر شده، در جامعه به وجود می‌آید.

از سوی دیگر و بر اساس مباحث گذشته، این سیاست‌ها باعث افزایش انتظارات مردم و سیر صعودی الگوی مصرف شده و تورم‌زا خواهند بود، گرچه اجرایی شدن آنها برای جبران کردن انتظارات محرومین و به عنوان مسکن قابل قبول است. به تعبیر دیگر تعمیم خدمات مختلف، تورم‌زا بوده و چالش موجود را تشدید می‌کند اما به دلیل فاصله‌ای که در گذشته بین دهک‌های بالا و پایین جامعه ایجاد شده، می‌توان این روند را به صورت وهله‌ای - و نه به عنوان یک سیاست دراز مدت - پی‌گیری کرد تا در برنامه‌های بعدی، این مشکل به صورت ریشه‌ای و جدید حل شود.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

پس گسترش خدمات در کلان شهرها مانند احداث مترو و سالن‌های ورزشی و... باید متوقف شود و در کنار آن و برای جلوگیری از افزایش قیمت زمین، سیاست تغییر پایتخت دنبال شود. اساساً پایتخت به معنای قطب توسعه است و این مسئله به حدی پیچیده شده که در دنیا، پایتخت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از یکدیگر تفکیک شده است. بنابراین اگر استراتژی مورد نظر «توسعه همه جانبه و پایدار» باشد، تهران بهترین پایتخت است؛ چرا که تمامی زیرساخت‌ها در آن مهیا شده است. در صورتی که «تعمیم آبادانی با رویکرد مستضعف‌گرایی» استراتژی مورد نظر باشد، باید پایتخت را شهرهایی چون اصفهان یا قم قرار داد. اما اگر استراتژی کشور «دفاع همه جانبه» باشد، لازم است استان خوزستان مرکزیت یابد. زیرا بزرگترین زیرساخت‌های کشور به نفت باز می‌گردد و اولین هدفی که دشمن به آن ضربه می‌زند، صنایع نفتی است. از این رو در استراتژی «دفاع همه جانبه» به دلیل اینکه حیات کشور ما، حیات منطقه و حیات دنیا وابسته به نفت است، منطقه خوزستان مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا در محاسبات و مطالعات ما باید ارباب دشمن و معادله «پیروزی خون بر شمشیر» مورد توجه باشد و نه «تکنولوژی برتر»، همان طور که می‌توان کیلومترها جاده در مرز عراق احداث کرد و با تسهیلات زیارت، امنیت عراق را تأمین کرد. البته روشن است که هر زایش و رویشی، دارای تبعات و هزینه‌هایی است اما کنترل آنها، ثبات در دراز مدت را به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی نیز ناشی از حکومت فرهنگ ربا بر مدل اقتصادی است و به همین دلیل، نمی‌توان پیشگیری از این آسیب‌ها را موضوع برنامه قرار داد مگر در صورتی که در بخش خانواده، رویکرد جدیدی تولید شده و در برنامه توسعه بعدی از آن استفاده شود. البته از آنجا که مانع اصلی ازدواج «الگوی مصرف» است، آنچه به عنوان هدف در این بخش مطرح خواهد شد، «تغییر الگوی مصرف خانواده» است که به وسیله آن سن ازدواج کاهش یافته و از آسیب‌های اجتماعی کاسته می‌شود. حال اگر این تحول درونی با یک تحول بیرونی یعنی حل مسئله قاچاق مواد مخدر به وسیله حمله نظامی همراه شود، آنگاه فشار این آسیب‌ها بر جامعه فروکش خواهد کرد.

اما در بندهای داخلی سیاست‌های کلی امور فرهنگی و اجتماعی، بند اول «اهتمام به تهیه پیوست فرهنگی در تمامی طرح‌ها و برنامه‌ها» است. این پیوست‌ها اگر بر مبنای ادبیات حوزه تدوین شود، بی‌اثر خواهد بود زیرا فرهنگ حوزه، فرهنگی نظری است و فاقد دنباله علمی می‌باشد. تدوین این پیوست بر اساس ادبیات دانشگاه نیز نتیجه‌ای جز وضع موجود و مباحثی مانند «فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی» نخواهد داشت. البته باید توجه داشت که مباحثی از این دست، مربوط به کشورهای توسعه یافته است زیرا کشورهای در حال توسعه در قدم اول باید با تحقق توسعه و رفاه، شرایط مقایسه فرهنگ مادی توسعه با خرده فرهنگ‌های کشور خود را به وجود آورند تا با تسلیم خرده فرهنگ‌ها در برابر فرهنگ جدید «پیوست‌های فرهنگی» موضوعیت بیابد. به عبارت دیگر در این مرحله است که فرهنگ مادی وارد

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

میدان شده و با طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی از پیش اجرا شده هماهنگ می‌شود. در واقع ادبیات توسعه نه تنها برنامه خود را بر اساس خرده فرهنگ‌ها تنظیم نمی‌کند بلکه آنها را مانع تحقق توسعه می‌داند و رفع این موانع را در چشاندن طعم رفاه به مردم جستجو می‌کند.

گذشته از توصیه‌های ادبیات توسعه و در صورتی که تمدن مطلوب به «تمدن اخلاق محور» تعریف شود، اساساً «پیوست فرهنگی» موضوعیت نخواهد داشت زیرا نیاز به این پیوست‌ها در تمدن «اقتصاد محور» به وجود می‌آید و در تمدن اخلاق محور، این «پیوست اقتصادی» خواهد بود که در کنار برنامه‌های اخلاق محور دنبال می‌شود.

درباره «تحول تعالی جویانه در سطوح مختلف نظام تعلیم و تربیت و نهاد خانواده با رویکرد دینی» باید سؤال کرد که آیا غیر از مدرک گرایی چیز دیگری وجود دارد؟ آیا می‌توان به جایی رسید که علم برای ثروت نباشد؟ اگر این کار در علم انجام شد، باید در مدیریت هم انجام شود و الگوی استخدامی کشور با آن هماهنگ شود. یعنی باید بتوان این هدف را تئوریزه کرده و آن را در مدیریت و اقتصاد هم جاری نمود و گرنه این بند محقق نمی‌شود و نمی‌توان فرهنگ مسابقه ایجاد کرد.

متأسفانه مؤسساتی که از حوزه فاصله گرفته‌اند، در گزارش خود به مقام معظم رهبری همگی اذعان داشتند که این مؤسسات مدرک‌گرا شده‌اند و این وضعیت خوبی نیست. بنابراین اگر ایمان محوری درجه‌بندی نشود، عملاً نمی‌توان نظام ایجاد کرد و این یعنی، نظام و دولت اسلامی غیرقاعده‌مند است. پس به طور خلاصه «تحول تعالی جویانه»، مربوط به تعریف تکامل اجتماعی است و «نهاد خانواده» هم باید به بخش خانواده منتقل شود.

پس در تعلیم، مشکل مدرک‌گرایی وجود دارد و در پرورش هم بیان شد که عرفان اجتماعی موجود، اقتصاد محور است. عرفان اجتماعی به این معناست که موبایلی که در دست افراد است، نشان‌دهنده‌ی شخصیت آنهاست. یا مثلاً مرسوم شده که مدیران شرکت‌های بزرگ کامپیوتری کروات می‌زنند، در غیر این صورت مدیر ارشد محسوب نمی‌شوند که این به معنای نظام ارزشی است. پس در وضع موجود، نظام ارزشی و نظام تربیتی به تکنولوژی تعریف می‌شود

در این جا بحث مرحوم علامه حسینی (ره) مطرح خواهد شد که: جلال و جمال مادی در نظام سرمایه‌داری به الگوی مصرف تعریف می‌شود، یعنی جذب اعتبارات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی به کیفیت مصرف بستگی دارد و این، همان «پرورش» در نظام فرهنگ و ارزشی مادی است. همان طور که دستگاه پیامبر (ص) یک نظام ارزشی و پرورشی داشت، دستگاه مادی نیز دارای یک نظام پرورشی است که به «الگوی مصرف نیازمندی مادی» طبقه‌بندی می‌شود. به عنوان مثال تغییر وضع حجاب دانشجویان دختر در دانشگاه مربوط به سیستم است. یعنی برای گذر از مرحله‌ی لیسانس به

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

دکتر و ورود به مراکز پژوهشی و هیئت‌های علمی، نوعی از الگوی مصرف و الگوی حیات و الگوی ارتباط با مردان به آنها تحمیل خواهد شد که تبدیل به نظام تربیتی و عرفان اجتماعی می‌شود و معنای «مغالطه‌ی عینی» نیز همین است. در فرهنگ نظام سرمایه‌داری این تکنولوژی است که نظام ارزشی را ایجاد می‌کند.

«احیای نقش مساجد» هم باید به سیاست بعد منتقل شود. سؤال در این باره این است که قرار است چه نقش و موضوعی به مساجد محول شود، در حالی که امروز کشور را مد و تنوع مصرف فرا گرفته است؟ در مرتبه اول، دستگاه رهبری و بعد نهادهای نمایندگی ایشان و بعد ائمه‌ی جمعه قرار می‌گیرند و تازه بعد از اینها مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌شوند؛ اما قبل از مشخص شدن نقش مراتب اولیه، صحبت از مساجد به میان آمده است. پس باید این موضوع مورد مطالعه قرار بگیرد و نقطه موجود و مطلوب آن مد نظر قرار گرفته شود. در حال حاضر مساجد متکفل چه مقدار از شئونات هستند تا ارتقاء آنها در قدم بعد و کانون شدن آنها مطرح شود؟ امروزه فقط در اعیاد و وفیات و مراسم ختم از مساجد استفاده می‌شود و این سؤال بجاست که نقش مساجد در تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه چگونه است؟ یک بخش از فرهنگ اجتماعی به دست مدیران انقلاب است که کسی نمی‌تواند پیرامون آثار فرهنگی این بخش فعالیت کند. یک بخش از آن هم به دست نهادهای مذهبی است و یک بخش از آن را هم رسانه‌ی ملی انجام می‌دهد. آیا منظور این است که مدیریت رسانه‌ی ملی را به مساجد بسپاریم یا مدیریت دو بخش دیگر را؟! در این باره چه مطالعه‌ای از وضع موجود انجام شده است؟ با دستگاه‌های دارای اثر فرهنگی مانند حوزه چه تعاملی خواهد شد؟ ما اعتقاد داریم که در دوره‌ی پیامبر نقش مساجد این گونه بوده است، حال آیا می‌توان مستقیماً همین نقش را در سیاست‌های کلان قرار داد؟ درست است که طبق مدل مطلوب، مرکزیت با مساجد است اما باید وضع موجود مساجد را تا رسیدن به مدل مطلوب ملاحظه نمود و این گونه سیاست‌ها بدون تحلیل از وضعیت جاری مساجد محقق نخواهد شد. لذا بدون مطالعه‌ی وضع موجود، نمی‌توان کانون تحولات را مساجد قرار داد و به نظر می‌رسد که این بند از اموری است که محقق نمی‌شود.

پس بخشی از تحولات فرهنگی از انقلاب نشأت می‌گیرد؛ مانند سخنرانی آقای احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا. بخش دیگر به صدا و سیما و یک بخش آن نیز به مساجد باز می‌گردد؛ ولی مساجد فقط متکفل اعیاد و وفیات و ختم شده‌اند. حال برای ارتقاء ظرفیت مساجد در حد صدا و سیما چه کاری باید انجام داد؟ البته اگر احیاء نقش مساجد به عنوان کانون تحولات فرهنگی - اجتماعی... ناظر به وضع مطلوب است، به اسناد بالادستی مربوط می‌شود و نباید در سیاست‌های لایحه‌ی برنامه پنجم گنجانده شود.

در رابطه با (بند ۴ سیاست ۱) «ارتقاء ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نیروی انسانی...» سؤال این است که وضع نیروی

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

انسانی این بخش چگونه است؟ بالا رفتن ظرفیت این گروه با چه هدفی است؟ اگر بر مبنای دانشگاه این کار انجام می‌شود، بنابراین برای آن ساختار سازی کرده و دانشکده هنر را گسترش می‌دهند و تکنولوژی مورد نیاز آن را وارد می‌کنند. آیا منظور این فعالیت‌هاست یا موضوع، ارتقاء نیروهای حوزوی است؟ یعنی ابتدا باید مشخص شود که رفتار حوزه فرهنگ چیست تا معلوم شود چه نوع نیروی انسانی لازم است؟

کل مباحث فرهنگی که در حال حاضر مطرح می‌شود مربوط به مسائلی نظیر نقاشی، شعر، سرود و موسیقی و... است و بر مبنای دانشگاه دارای تعریف مشخصی بوده و ساختار متناسب را می‌طلبد. اما در حوزه، این رفتار به صورت هیأتی انجام می‌شود. ممکن است آموزش‌های تبلیغی وجود داشته باشد، اما ناگهان یک روحانی با سلیقه از همه آموزش دیده‌ها پیش می‌افتد؛ اما در دانشگاه به دلیل وجود سازمان و ساختار چنین اتفاقی نمی‌افتد. البته سعی شده حوزه هم، دارای ساختار دانشگاهی شود که تبعات و اخلاق مخصوص به خود را به همراه داشته است. پس مهم است که با چه تحلیلی از رفتار فرهنگ موجود، ارتقاء نیروی انسانی مطرح می‌شود؟ علاوه بر این که چنین گسترش‌های کمی چه در حوزه و چه در دانشگاه تورم‌زاست، زیرا نهادها و اساتید و دروس و ساختار آن به بودجه نیازمند است.

درباره سیاست ۲ بند ۱ (تعمیق فرهنگ ولایت) بیان شد که سند بالا دستی بوده و دربردارنده معنی فلسفه تاریخ است. بند بعدی که «بکارگیری عملی اندیشه‌های امام» می‌باشد نیز، در بند ۳ می‌آید.

از سوی دیگر «حرکت به سمت زندگی به سبک اسلامی» به دنبال تعریف نظام تعلیم و تربیت بر اساس اسلام است، اما سؤال این است که با چه فلسفه‌ی علوم اجتماعی، این کار انجام می‌شود؟ آیا علم جامعه‌شناسی آن تولید شده است تا نظام ارزشی و یا عرفان اجتماعی متناسب با آن را تحویل دهد؟! به نظر می‌رسد این بند باید ذیل «تحول تعالی جویانه» ذکر شود و در واقع تعریف تکامل است. نکته دیگر این که این عبارت باید به «حرکت به سبک زندگی اجتماعی اسلام» تغییر یابد و گرنه سبک زندگی اسلام – که همان آداب و سنن است – موجود است، یعنی قید «اجتماعی» این بندها مطرح نشده است. اینها اموری است که به «فلسفه علوم اجتماعی» باز می‌گردد و این ۵ – ۶ بند همگی باید در کنار هم بیایند.

بند آخر «تعمیق ارزش و دین در فعالیت‌های اطلاع رسانی و رسانه‌ای» به معنای ایجاد الگوی خبرسازی حول ساختار ولایت فقیه است ولی این مهم در این بند ذکر نشده است و اساساً «تعمیق ارزش و دینی فعالیت‌ها» با چه فلسفه هنری انجام می‌شود؟ «ترویج و تقویت فرهنگ نشاط و امید» هم به فرهنگ دانشگاه باز می‌گردد و سعی شده است که قسمت طنز را پوشش دهد، پس این قسمت که مربوط به دانشگاه است، در بالا قرار می‌گیرد.

درباره «تقویت و تحکیم هویت فرد و جامعه اسلامی ایرانی مبتنی بر...» هم باید گفت که اعتماد باید به خدا باشد و

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

«خودباوری» به «باور انقلاب و نعمات الهی» تغییر پیدا کند. «افتخار ملی و انقلابی و استکبار ستیزی و استقرار تفکر بسیجی در عرصه‌های مختلف» نیز چون تئوریزه نشده، اثر عکس گذاشته است. یعنی بسیجی امروزه کشتی می‌گیرد، به فوتبال مشغول است، در ادبیات توسعه تئوریزه شده و دچار اخلاق بازاری شده است.

«تقویت و تعظیم مستمر شعائر، نمادها و هنر فاخر اسلامی ایرانی و حفظ و ارتقاء جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی» بند بعدی است. اما به نظر می‌رسد در این بند «اسلام» و «مسلمانان» یک امر محسوب شده‌اند در حالیکه این هنرها، هنر مسلمانان است و نه هنر اسلامی. در واقع این هنرها در دستگاه پادشاهان ایجاد شده و نسبت دادن آنها به اسلام دارای حجیت نیست. علاوه بر آن لازم است «احکام التزامی» پیرامون «تعظیم شعائر» استخراج شود و نسبت شعائر عرفی با دین مشخص شود. به عنوان مثال آیا علم‌های عزاداری با اسلام نسبتی دارد؟ یا همان طور که گفته می‌شود مراسم زنجیرزنی از آنچه در تشییع جنازه لویی فرانسه دیده شد، اقتباس شده است.

عنوان «حفظ و ارتقاء جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی» نیز باید بدین صورت تغییر کند: «حفظ و ارتقای جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی به عنوان تنها زبان هدایت امت جهان اسلام در قرن بیستم». در واقع بر اساس این سیاست به آموزش فارسی در کشورهای دیگر اهمیت داده می‌شود اما نه برای آن که خارجی‌ان با مولانا و سعدی و حافظ آشنا شوند بلکه هدف، نشر زبان انقلاب است.

به نظر ما امروز زبان فارسی دارای ارزش شده و به زبان محور هدایت عالم مبدل گردیده است و این یکی از معانی فرموده پیامبر اکرم درباره قوم فارس است. البته غیر از آن که ادبیات امام و انقلاب به فارسی است و نشر زبان فارسی برای فهم این کلمات نورانی لازم است، «علم اصول فقه احکام حکومتی» هم – علیرغم اینکه اصول و تفقه در گذشته، منحصر به زبان عربی بود – به زبان فارسی تولید شده است.

درباره بند «حضور پیشگامانه در جریان‌سازی فرهنگی با رصد مستمر و دشمن شناسانه و مصونیت بخشی در برابر فرهنگ معارض و مهاجم استکبار» باید گفت در حال حاضر کشور در مسیر مقاومت در عرصه انقلاب سیاسی است و دارای قدرت مهندسی سیاسی دنیا نیست و به همین دلیل در امر فرهنگی نمی‌تواند حضور «پیشگامانه» داشته باشد، بلکه حضور ما بر مبنای مقاومت است، از این رو، «مصونیت بخشی در برابر فرهنگ معارض و مهاجم استکبار» به این معناست که باید صف آرایی و مقاومت در برابر آن فرهنگ آغاز شود. البته به نظر می‌رسد «مقاومت»، می‌تواند حاکم بر کل هدف محوری سیاستهای این بخش باشد، نه اینکه به عنوان یک بند مطرح شود.

در این صورت مکانیزم: «پیش‌گیری از بروز تضادها و جابجایی در نظام ارزشی با احیا و تقویت بنیان‌های ارزشی و

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

هویتی در کشور»، به وحدت رساندن ادبیات انقلاب و ادبیات حوزه و ادبیات دانشگاه است، یعنی بروز تضادها به علت به وحدت نرسیدن این سه ادبیات است. پس طریق این کار، احیاء و تقویت بنیانهای ارزشی و هویتی در کشور نیست، بلکه به وحدت رساندن سه ادبیات انقلاب، حوزه و دانشگاه است. پس «حضور بر مبنای مقاومت»، سیاست حاکم بر بخش فرهنگ و «پیشگیری از بروز تضادها» راهبرد آن می شود.

بند بعدی در ذیل سیاست ۴ بخش امور فرهنگی، «ایجاد امکان بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه از فرصت‌ها و امکانات...» است که گفته شد این بند بوسیله «الگوی مصرف ساده، بادوام و فراگیر» انجام می شود. البته در این قسمت، اضافه شدن این بند، پیشنهاد می شود: «تعمیم آبادانی با رویکرد مستضعف‌گرایی از کلان شهرها به شهرها و از شهرها به روستاها»

در بند بعدی آمده: «توسعه‌ی صنایع فرهنگی...» که باید عبارت «با الگوی بادوام، ساده و فراگیر» به آن اضافه شود. اما در ادامه آن «گسترش کمی و کیفی آثار و فعالیت‌های هنری و ادبی با تأکید بر مبانی اسلامی»، این مشکل وجود دارد که مبانی اسلامی هنر، هنوز تولید نشده است. پس می توان این عبارت را به این صورت تغییر داد: «توسعه صنایع فرهنگی و گسترش کمی و کیفی آثار و فعالیت‌های هنری و ادبی دفاع مقدس، فرهنگ انقلاب و فرهنگ مقاومت ملت دلاور ایران و تمام ملت‌های آزاده جهان اسلام».

اما به بند «گسترش و دسترسی به فناوری‌های نوپدید نرم و سخت به ویژه در رسانه ملی» این عبارت اضافه می شود: «برای مصارف غیرعمومی و غیرصنعتی و مختص به دستگاه رهبری و دولت اسلامی».

عنوان «بهینه رویکرد تأمین نیازهای کمیته امداد و سازمان بهزیستی از نظر ارزشی و دینی و داوطلبانه شدن بیمه فراگیر» عنوانی است که برای جایگزینی عنوان «تأمین بیمه فراگیر...» پیشنهاد می شود که در نتیجه تنها بخش دوم این عنوان، یعنی «گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی» از وظایف دولت اسلامی خواهد بود. در عین حال، باید توجه داشت که روش ارائه کالاهای یارانه‌ای را می توان تغییر داد و با استفاده از کارت‌های اعتباری یا کوپن، تمهیدی اندیشید تا صف و ازدحام برای این کالاها از بین برود و نحوه توزیع آن‌ها اصلاح گردد. البته چگونگی بهره‌مندی آحاد مردم از پول نفت و انفال و یارانه‌ها... از نظر شرعی بحث دیگری است که باید بوسیله پایان‌نامه‌ها، تبدیل به معادله شده و در «مدل» محقق شود.

بند دوم سیاست پنجم، به دو قسمت تقسیم می شود: یک بخش مربوط به افراد دارای شغل است و بخش دیگر مختص افراد محروم و بیکار و از کار افتاده می باشد که جایگاه بخش دوم در بند قبل مشخص شد. بنابراین بند مورد بحث

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

به بحث الگوها ارتباط دارد، زیرا موضوع آن، آحاد مردم است. پس عنوان جایگزین، این عنوان خواهد بود: «تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت آحاد جامعه در ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی بر اساس الگوی تغذیه، بهداشت، درمان با رویکرد جدید فرهنگی».

آنچه پیرامون بند «گسترش امکانات گذراندن اوقات فراغت و اهتمام به تربیت بدنی و ورزشی همگانی و جوانمردی» قابل طرح است این که اساساً در اسلام مقوله‌ای مانند «اوقات فراغت» وجود ندارد، بلکه «تقویت فرهنگ وجدان کاری» مطرح است. قسمت دوم این بند نیز باید از «اهتمام به تربیت بدنی و ورزش همگانی و جوانمردی» به «اهتمام به تربیت بدنی با در اولویت قراردادن ورزش همگانی» تغییر پیدا کند.

بند اول سیاست ۶ بخش فرهنگی که عبارت است از «توانمندسازی جوانان برای ازدواج آگاهانه و پایدار» باید به «برنامه‌ریزی برای کاهش سن ازدواج برای پایدار کردن نهاد خانواده» تبدیل شود. زیرا ازدواج یک نیاز اولیه است و همان طور که نمی‌توان از غذا خوردن افراد جلوگیری کرد، نمی‌توان ازدواج را هم که نیاز اولیه انسان است مقید به «آگاهی، به هنگام و پایدار بودن» نمود.

البته در خلال بحث ازدواج، طرح مسئله‌ی سربازی جوانان هم مهم است و سیاست «داوطلبانه کردن خدمت مقدس سربازی یا انجام سربازی در قالب نهاد بسیج» پیشنهاد می‌شود. پس به جای بند اول «برنامه‌ریزی برای کاهش سن ازدواج برای پایدار کردن نهاد خانواده» قرار می‌گیرد.

در بند بعدی «تسهیل ازدواج بهنگام با رفع موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی» است که باید گفته شود: «تسهیل ازدواج بهنگام با تبدیل ساختار ازدواج دائم به ازدواج موقت». زیرا یک سطح از تسهیل، ایجاد حقوق و قانون است که در حال حاضر در قوه قضائیه انجام گرفته است. مثلاً قبلاً اگر کسی می‌خواست یک زن دائم دیگر بگیرد باید اجازه زن اول به دادگاه می‌رفت و پرونده تشکیل می‌شد تا دادگاه تشخیص می‌داد که می‌تواند یک زن دائم دیگر بگیرد یا نه؛ اما امروز کلاً از دادگاه بیرون آمده و ثبت در محضر کافی است. این یک نوع تسهیل است؛ ولی یک سطح بالاتر، این است که ساختار ایجاد شود، یعنی در برنامه‌ریزی کشور شاخصه داده و کنترل شود. بعد از شاخصه است که می‌توان درباره خوب یا بد بودن اجازه‌ی زن اول قضاوت کرد. یعنی بر اساس آن ساختارها است که باید حقوق و قانون‌های متناسب با آن در مجلس تصویب شود تا نشان دهد وضع موجود این طوری است و این قوانین را نیاز دارد. پس معنای «ساختار» خیلی مهم است.

اما دلیل بر ضرورت ایجاد ساختار ازدواج موقت این است که در وضع موجود امروز، ازدواج‌ها در عمل، به صورت «موقت» است، ولی انتظارات در سطح «دائم» است و این چالش، خانواده‌ها را دچار طلاق می‌کند؛ زیرا با شرط تحصیل و

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

شغل که امروز «عمومی» شده است، «تمکین و اذن شوهر» که دو رکن اصلی در ازدواج دائم می‌باشد، منتفی گردیده و عملاً به ازدواج موقت تبدیل شده است، ولی انتظارات طرفین در سطح دائم باقی مانده است، یعنی مرد تمکین می‌خواهد و زن نفقه!

وقتی این انتظارات به دلیل شرایط پذیرفته شده در جامعه تأمین نشود، نزاع در خانواده‌ها بالا گرفته و آمار طلاق بالا می‌رود. لذا باید ساختار ازدواج موقت پی‌ریزی شود تا انتظارات کمتر شده و بعد از آن، الگوی مصرف را پائین آورد تا بتوان پایه‌های ازدواج دائم و پایدار را بر اساس الگوی مصرف تبدیل شده، پایه‌ریزی کرد.

البته ممکن است نسبت به موضوع ازدواج موقت حساسیت‌های زیادی وجود داشته باشد، ولی باید نوشته و گفته شود تا ایجاد این اخلاق، صورت گیرد؛ ولو اینکه تصویب نشود.

سیاست بعدی «تحکیم بنیان خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی» است و با توجه به اینکه، این یکی از احکام التزامی نظام بوده و سیاست نیست، می‌توان آن را به «تحکیم بنیان خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانواده بر پایه‌ی کارآمدی اخلاقی نهاد خانواده در نظام اسلامی» تبدیل کرد؛ یعنی «بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی» جزو احکام التزامی است و در جامعه‌ای که دین اسلام پذیرفته شده است، نظام خانواده آن، بر این اساس هست. لذا این حرف در قانون اساسی بیان شده و قانون اساسی، سند بالادستی سیاست‌های کلان است. اما در سیاست‌ها، باید کارآمدی آن در نظام اسلامی پی‌گیری شود. بنابراین اگر حذف نیز نکنند، باید به این شکل اصلاح شود.

پیشنهاد ما برای بند بعد که «اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی بانوان بر اساس مبانی اسلامی» است، «اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی بانوان بر اساس رویکرد جدید فرهنگی به نهاد خانواده در نظام اسلامی» می‌باشد.

بند بعدی «توجه به مقتضیات دوره جوانی، نیازها و توانایی‌های جوانان و فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی آنان» است که به وسیله‌ی بندهای فوق تأمین می‌شود؛ یعنی بحث توجه به مقتضیات دوره جوانی، نیازها و توانایی‌های جوانان، مطلبی است که با کم کردن فاصله‌ی ازدواج جوانان انجام می‌شود و قسمت «فراهم کردن زمینه رشد فکری و علمی جوانان» به وسیله آموزش و پرورش تأمین می‌شود.

بند بعد «ساماندهی امور جوانان به ویژه مهارت‌های زندگی، مشارکت‌های اجتماعی، اشتغال، مسکن و تحصیل» است که این بند (اشتغال و مسکن)، در صورتی مطلوب است که الگوی مصرف شکسته شود و لذا با الگوی مصرف موجود، این بند، تورم‌زاست.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

درباره‌ی «مدیریت و نهادینه‌سازی امنیت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» به نظر می‌رسد که اگر ازدواج در سن پائین در بین جوانان رواج پیدا کند، جوانان بیمه خواهند شد. همان طور که درباره‌ی الگوی مصرف، دو بُردار خارجی و داخلی ترسیم کردیم، در اینجا هم از یک طرف در درون باید ازدواج نهادینه (به شکل متعه، دائم، تعدد زوجات و تمام انواعی که مشروع است) شود؛ یعنی نباید در خارج از فضای ازدواج، شهوتی برای افراد قابل تصور باشد و از طرف دیگر، در بیرون نیز مسئله‌ای که جایگزین این لذت (ازدواج) برای جوانان است، مواد مخدر می‌باشد که باید ریشه این مسئله‌ی بیرونی کنده شود و برای ریشه‌کن کردن مواد مخدر نیز باید موشک باران مناطق تولید مواد مخدر در افغانستان، در دستور کار قرار گیرد؛ زیرا الآن افغانستان مرکز تولید مواد مخدر شده است.

بند «مدیریت و نهادینه‌سازی امنیت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» به معنای طرح‌هایی است که الآن در حال انجام است. یعنی این سیاست، علت می‌شود که سیاست‌های اجرایی در حال انجام پیش رود. بنابراین این بند مشکلی ندارد و به همین شکل قابل قبول است. فقط اگر آسیب‌های اقتصادی هم به اجتماعی اضافه شود و طریق آن نیز «تحقق ساختار جدید ازدواج و ریشه‌کن کردن مواد مخدر» ذکر شود، مناسب‌تر خواهد بود.

سیاست ۸ در بخش فرهنگی «اهتمام به تأمین حقوق و رعایت تکالیف اجتماعی» با تأکید بر: «صیانت از حریم خصوصی، آزادی‌های مشروع و قانونی و تقویت ارتقاء سطح احساس امنیت اجتماعی و اخلاقی» است که ما آن را قبول داریم. یعنی الواط‌گری فقط در حریم خصوصی باشد و در سطح جامعه نباید تا «اقامه» اخلاق رذیله صورت نگیرد. البته باید از حریم عمومی نیز صیانت شود.

در این بحث، موضوع ماهواره نیز بحثی اجتماعی نیست، بلکه بحثی فرهنگی است. یعنی تا مسائل و مقدماتی صورت نگیرد، نمی‌توان جلوی این امور را گرفت. تا نتوان مجموعه زندگی خوب، اسلامی و دینی را تحویل مردم داد، آنها دست از این امور بر نمی‌دارند.

بند بعد: «تقویت انضباط اجتماعی، روحیه‌ی تعاون و قانون‌گرایی و ترویج و نهادینه کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ضمانت حقوقی فعالیت نهادهای نظارتی مردمی» است که بند مناسبی است. البته درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر مطلبی قابل دقت است و آن اینکه نظام اقتصاد محور، دارای عوارضی است و برای مقابله با این عوارض، این اصل را قرار می‌دهند، یعنی نقش بازدارندگی دارد؛ ولی در دستگاهی که اخلاق محور است، امر به معروف برای دستگیری سطوح پائین با هدف ارتقاء ایمان مردم است. به همین دلیل این اصل در دستگاه اخلاق محور، ساختار جریان نظام ولایت فقیه می‌شود.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

در قسمت سیاست‌های کلی امور علمی و فناوری آمده است: «حاکم کردن جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی بر جهت‌گیری‌های علم و فناوری از طریق: تبیین جهان‌بینی اسلامی و ابتناء دانش‌ها و فن‌آوری‌ها بر جهان‌بینی اسلامی». در این باره، سیاست پیشنهادی ما «ضرورت تدوین فلسفه تاریخ الهی و بینش حکومت اسلامی برای پایدارسازی باورها و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی از طریق تبیین نظام فکری حکومت اسلامی و ابتناء دانش و فن‌آوری‌ها بر اساس بینش اجتماعی اسلامی» می‌باشد؛ زیرا «جهان‌بینی اسلامی» الآن وجود دارد و نیاز به تبیین جدید ندارد، بلکه باید امر دیگری را آورد که هم ناظر به جهان‌بینی موجود نباشد و هم حکومتی باشد. پس بهتر است «تبیین نظام فکری حکومت اسلامی» جایگزین «جهان‌بینی اسلامی» شود. سپس امور علمی نیز باید بر اساس یک نظام فکری تبیین شود که «ابتناء دانش‌ها و فناوری‌ها بر اساس بینش اجتماعی اسلامی» پیشنهاد می‌شود. در این صورت است همان بحث «دانش» که در جدول جامعه دفتر فرهنگستان علوم اسلامی بر اساس یک «بینش» و «گرایش» بود، در اینجا جریان می‌یابد. زیرا در آنجا می‌بایست «دانش» بر اساس «بینش» باشد. پس کلمه «جهان‌بینی» در اصل این سیاست تغییر می‌کند و «نظام فکری حکومت اسلامی» جایگزین می‌شود.

بند بعد «تعمیق معرفت دینی در مؤسسات آموزشی و پژوهشی با همیاری سامان یافته حوزه و دانشگاه» است که به جای آن: «تعمیق معرفت دینی از طریق ذوب شدن منطق نظری حوزه و منطق کاربردی دانشگاه در یکدیگر» پیشنهاد می‌گردد. در این صورت است که دین، تعمیق می‌شود. البته تعبیر ذوب شدن، تعبیر حضرت امام (ره) است که مکانیزم آن در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی طراحی شده است.

در سیاست ۱۰ آمده «ارتقاء محسوس علم و فناوری کشور در جهان و پیشتازی همه جانبه در منطقه»؛ که در تمام ۵ بند ذیل آن اشکال وجود دارد. زیرا تمام این بندها غیر از بند «توجه به نقش اساسی علوم انسانی در فرهنگ سازی...» توسط دولت سازندگی انجام گرفت که نتیجه آن فرار مغزها، عدم ارتباط پژوهش با صنعت و اصل شدن سودمحوری و... شده است. لذا باید نقشه جامع علمی کشور بر اساس رویکرد جدید در الگوی «تجارت، صنعت، تولید» طراحی شود و بر این اساس رویکرد «ارتقاء محسوس علم و فناوری کشور در جهان و پیشتازی همه جانبه در منطقه» به هیچ وجه قابل قبول نیست. زیرا در این صورت باید همان راهی را که دولت‌های گذشته رفتند، پیماییم. چون مجموعه این علوم، نیازمندی‌های مبنای «رفاه دائم التزاید» را پاسخگو است و بر اساس فرهنگ سرمایه و فرهنگ سودمحوری است؛ ولی ما می‌خواهیم دچار این خصلت نشویم. لذا باید علم را در «توزیع رفاه» بکار بگیریم و نقشه جامعه علمی را بر این اساس طراحی کنیم. از این رو سیاست پیشنهادی «تحول در نظام آموزش و پژوهش بر مبنای توزیع رفاه اجتماعی (نه فرهنگ سرمایه‌داری) از طریق طراحی نقشه جامع علمی کشور» می‌باشد.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

لذا بند بعدی هم باید این طور تغییر کند: «شناسایی و حمایت از دانشمندان و ایجاد عزم ملی در خبگان و استعداد‌های درخشان برای تئوریزه کردن مفهوم عدالت».

درباره «توجه به نقش اساسی علوم انسانی در فرهنگ سازی» باید گفت که علوم انسانی موجود در دانشگاه‌ها برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی به وجود آمده است. یعنی با توجه به تعریف علوم انسانی در طبقه‌بندی علوم امروز که قائل است علوم پزشکی، حلقه واسطه بین علوم پایه و علوم اجتماعی است، روشن می‌شود که علوم اجتماعی به دنبال حل آسیب‌های اجتماعی تمدن موجود می‌باشد. بنابراین «توجه به نقش اساسی علوم انسانی در فرهنگ سازی بر مبنای جهان‌بینی اسلامی»، اساساً دارای هدف دیگری است. غرب، علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و اقتصاد را برای کنترل آسیب‌های اجتماعی تمدن خود تولید کرده است، بنابراین در فرهنگ سازی، این علوم به سازگار نخواهد بود. به عبارت دیگر علت توجه غرب به علوم انسانی، آسیب در بخش فرهنگ‌سازی بوده و تولید این علوم، به همین دلیل صورت گرفته است. اما در جهان‌بینی اسلامی مبنا، کرامت انسانی است و تمدن مورد نظر، اخلاق محور است و لذا نمی‌توان به آن علوم انسانی (علوم انسانی مورد نظر غرب) توجه کرد، بلکه باید علوم انسانی جدیدی را تولید کرد. باید علوم انسانی با رویکرد نظام فکری حکومت اسلامی تولید شود تا به جای کنترل آسیب‌های اجتماعی، «ساختارهای موضوع برنامه» را ارتقاء داد و خود را به عنوان یک الگوی جدید زندگی به دنیا معرفی کند. لذا علوم انسانی، متغیر اصلی این بخش می‌شود و بر این اساس است که باید علوم پایه و علوم پزشکی تولید شود. پس باید گفت: «تولید علوم انسانی و توجه به نقش آن با رویکرد جدید نظام فکری حکومت اسلامی».

«مدیریت دانش و روزآمد کردن علوم در کشور با توجه ویژه به فناوری‌های نو و مشارکت در تولید علم در سطح جهانی»، عنوان بند بعدی است که باید این طور تغییر کند: «مدیریت دانش و روزآمد کردن علوم در کشور با توجه ویژه به فناوری‌های متوسط، با دوام و فراگیر و مشارکت در تولید علم متناسب با نیازمندی‌های انقلاب». البته با این تغییر که «در سطح جهانی» تبدیل به «متناسب با نیازمندی‌های انقلاب» شد، این بند در بخش بعد قرار می‌گیرد.

بند بعدی «ایجاد ارتباط شبکه‌ای بین علوم و رشد متوازن آنها» است، که بهتر آورده شود: «اینجا رابطه مؤثر دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و جامعه برای رفع نیازهای ملی»

در بند بعدی باید «تجاری سازی محصولات آنها» حذف شود؛ زیرا در این برنامه پنج ساله به دنبال از بین بردن مدرک گرایی هستید. گرچه شاید بعضی بتوانند این کار را کرده و حتی علم و نیروی انسانی را صادر کنند، ولی باید توجه داشته باشند که اخلاق اصل است، نه سود محوری! سود محوری نه برای خودمان و نه برای کس دیگر پسندیده نیست، بلکه

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

اخلاق علمی، مطرح است. به طور مثال مگر ۸ سال با عراق نجنگیدیم؟ اما الان داریم به بازسازی عراق کمک می‌کنیم! چرا انتقام نمی‌گیریم؟ چرا خسارت‌های جنگ را پیگیری نمی‌کنیم؟ چون کشور اخلاق محور هستیم و گذشت می‌کنیم.

«توانمندسازی و مشارکت دادن بخش غیر دولتی در تولید علم و فناوری» بند بعدی است؛ اما آوردن حضور بخش غیر دولتی در این بند اشتباه است و با مبانی ما ناسازگار می‌باشد. پس باید تولید دولتی تکنولوژی برتر را به عنوان یک بند اضافه کرد و بعد از آن تولید تکنولوژی متوسط به دست تعاونی‌ها سپرد و تکنولوژی ساده هم باید به دست بخش خصوصی باشد.

بند بعد «بهره‌گیری از توان علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج و دانشمندان جهان اسلام در برنامه‌ریزی‌ها و رفع نیازهای ملی» است که به نظر می‌رسد «رفع نیازهای ملی» به «رفع نیازهای ویژه» تبدیل شود مناسب‌تر است، زیرا نباید به دنبال کسی رفت که ایران را رها کرده و در خارج مقیم شده است، مگر برای رفع نیازهای ویژه.

بخش امور اقتصادی نیز، شامل سه سیاست کلی است. در سیاست کلی اول، آمده است «تقویت تولید ثروت ملی و تأمین عدالت اجتماعی با اهتمام ویژه به اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی».

در بند سوم از همین سیاست کلی «شفاف سازی، پایدار سازی و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و قوانین، احترام به مالکیت فردی و ارزش تلقی کردن تولید ثروت ملی مشروع و حلال» آمده که به معنای ارزش قرار دادن ثروت ملی می‌باشد. معنای جایگاه اول اقتصادی نیز همین است؛ لذا به نظر می‌رسد این یکی از اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد و نمی‌تواند به عنوان یکی از سیاست‌های برنامه پنجم باشد. از طرف دیگر چنانچه ارزش تلقی کردن تولید ثروت ملی به معنای یک فعالیت فرهنگی مد نظر قرار گیرد، جایگاه این بند می‌بایست در بخش فرهنگی تعریف شود.

پس قسمت «احترام به مالکیت فردی و ارزش تلقی کردن تولید ثروت ملی مشروع و حلال» می‌بایست در قسمت فرهنگ جا داده شود.

در اصل عنوان سیاست کلی اول اقتصادی که «تقویت تولید ثروت ملی و تأمین عدالت اجتماعی با اهتمام ویژه به اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» آمده است، که به نظر می‌رسد تقویت تولید ثروت ملی بایستی از طریق «تأمین عدالت اجتماعی» صورت پذیرد، اما بدون اینکه دنیا و رفاه، مبنای تولید ثروت قرار گیرد.

البته باید توجه داشت که در نگاه به مسایل اقتصادی، رویکرد عدالت توسط دولت مطلوب بوده است، اما ماشین مورد استفاده، تحصیل این هدف را ممکن نخواهد کرد.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

پس می‌بایست جلو فشار و پتانسیلی که از خارج می‌آمد و موجب تحول در الگوی مصرف می‌شود، گرفته شود که این در برنامه‌ی اول (پنجم توسعه) صورت می‌گیرد. در برنامه‌ی دوم (ششم توسعه)، بعد از آنکه رشد مصرف ثابت شد، باید مصرف، مورد مطالعه قرار گرفته و هر چیز اضافه، حذف شود. یعنی کم کردن این الگوی مصرف آن متناسب با نهاد خانواده و امور ارزشی. بنابراین مکانیزم تقویت تولید ثروت ملی، از طریق تثبیت عدالت اجتماعی (و نه تجمع سرمایه در مبنای غرب) می‌باشد.

همانطوری که در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز ضرورت همراهی عدالت و فعالیت اقتصادی تصریح شده است. زیرا وقتی انسان محور اقتصاد باشد با ایجاد عدالت، انگیزش درست می‌شود؛ یعنی اخلاق، موجب ایجاد انگیزه است؛ فرهنگ جامعه ایران بر اساس پذیرش دین و اخلاق محوری و نفی ظلم بوده است. اما فاصله طبقاتی، ذاتی نظام سرمایه‌داری است که ظلم را در بخش اقتصادی با این اختلاف پتانسیل، تئوریزه می‌کنند. پس با توجه به این مباحث می‌بایست عبارت «تقویت تولید ثروت ملی از طریق تأمین عدالت اجتماعی» نوشته شود.

در ادامه همین سیاست آمده «... با اهتمام ویژه به اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»؛ در قانون اساسی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارای سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی ترسیم شده است.

در قسمت اول از بند «ارتقاء جایگاه سهم بخش‌های غیر دولتی به ویژه تعاون در اقتصاد کشور...» آمده است که تولید ثروت از طریق امنیت سرمایه نیست، بلکه با ایجاد امنیت برای انسان، ایجاد انگیزه جهت تولید ثروت صورت می‌گیرد.

در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده: «با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی»؛ بنابراین سیاست اول بخش امور اقتصادی همان چیزی آمده است که مقام معظم رهبری فرموده‌اند و باید در سیاست‌های برنامه پنجم توسعه، سیاست عملیاتی کردن این اصل آورده شود، نه خود این اصل!

از سوی دیگر در ابلاغ رهبری «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم» مطرح شده است، اما در ادبیات توسعه موجود، مالکیت در سطح سرمایه‌داران برای ایجاد قطب‌های توسعه تضمین می‌شود. در این صورت گرچه مالکیت حقوقی ایجاد می‌شود، اما قوانین «تجمع سرمایه» و قوانین «کارآیی تجمع سرمایه» پیشرفت این سیر را سد خواهد کرد.

به عنوان مثال عبارت «ارتقاء کارآیی بنگاه‌های اقتصادی» با «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم» در تعارض است؛ زیرا با تقویت بنگاه‌ها و افزایش کارایی آنها، سطح مالکیت عمومی تضعیف می‌شود. پس در بند اول، عبارت «بخش‌های غیر دولتی» حذف می‌شود، همچنان که عبارت «رقابتی» حذف خواهد شد، زیرا لازمه رقابت در دنیا، شکل‌گیری

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

تعاونی‌های زنجیره‌ای است و این با غرض (تعاونی‌های بریده از هم) در تنافی است.

بند «ارتقاء امنیت سرمایه‌گذاری و تسهیل در امر تولید برای حل مشکل اشتغال در کشور»، در شرایط فعلی و نه، برای رقابت و رفاه و اتوماسیون، قابل قبول است؛ اما بهتر است به این شکل تغییر یابد: «هدایت سرمایه‌گذاری و تسهیل در امر تولید برای حل مشکل اشتغال».

مقصود از «شفاف‌سازی، پایدارسازی، هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و قوانین» شرائط یک نظام اقتصادی است که عدالت در آن لحاظ شده باشد. پس می‌بایست به بند «شفاف‌سازی، پایدارسازی، هماهنگ‌سازی قوانین و سیاست‌ها»، عبارت «به عنوان شرایط تحقق نظام اقتصاد اسلامی» جایگزین گردد، گرچه تعریف اقتصاد اسلامی امری ضروری است. قسمت دوم این بند نیز، مربوط به سیاست‌های فرهنگی است.

بند بعدی، «پشتیبانی از کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، تقویت ساختار رقابتی ...» است که عبارت «ساختار رقابتی» بایستی حذف شود. زیرا در مبانی دینی، رقابت بر سر دنیا وجود ندارد بلکه این رقابت، برای آخرت و خیرات و مبرآت است که در اسلام تعریف شده است.

در طرح پیشنهادی نیز ایجاد زمینه‌های زیرساخت مسابقه الهی بیان شده است، این به معنای آن است که با جلوگیری از تهاجم، در حال برپایی نظام‌های دینی هستید.

اصطلاح «غیر ضرور» نیز بایستی حذف شود زیرا انحصار چه ضروری و چه غیر ضروری قابل پذیرش نیست. البته باید توجه داشت که ممکن است در سیاست‌های کلی، برای دولت بعضی انحصارات لحاظ گردد. در واقع ضرورت از بین بردن انحصارات از آن جهت است که در ادبیات توسعه، انحصارات به قانون تبدیل می‌شود.

در انتهای این بند نیز باید به «رعایت اتقان و استواری تولید محصول»، عبارت «از طریق الگوی تولید بادوام ساده و فراگیر» اضافه شود. زیرا قیود «استواری و اتقان تولید محصول» با هدف جلوگیری از ضربه پذیری تولید از تغییرات جهانی آورده شده است، اما بر اساس مباحث گذشته، تولید نیازمند نگاه درون‌گرا و تغییر الگو است. البته از آنجا که این بند با سیاست «اعمال اصلاحات ساختاری و مدیریتی...» تناسب بیشتری دارد، باید تحت سیاست شماره ۱۳ قرار گیرد.

نکته مهم اینکه مقصود از «پشتیبانی از کارآفرینی و خلاقیت و نوآوری» به معنایی که در ادبیات توسعه مطرح شده، نیست؛ زیرا خلاقیت و نوآوری در تکامل معنوی و برای آخرت قابل قبول است و نه در تکامل مادی و برای رفاه دنیوی. علاوه بر آن که این امر به معنی مصطلح آن با «الگوی تولید ساده، بادوام و فراگیر» در تعارض است.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

بند آخر سیاست شماره ۱۲ «توزیع عادلانه امکانات، فرصت‌های به وجود آمده از تغییر نقش دولت و...» می‌باشد. با توجه به اینکه تاکنون امکانات در اختیار بخش دولتی بوده این بند حکم می‌کند که با تغییر سیاست‌ها، نقش دولت نیز تغییر یابد. لازمه‌ی این امر، «توانمند سازی تمام اقشار مردم برای پذیرش مسئولیت» است. پس پی‌گیری دولت نهم برای مردمی کردن اقتصاد و اطلاع رسانی به روز و ارائه امکانات به مردم، یک سیاست مورد حمایت است. در واقع امکانات و فرصت‌ها، به معنای «مجوزها» در «نظام موازنه قدرت» است که در دولت نهم این مجوزها در نظام بانکی به سمت نیازهای عمومی سوق داده می‌شود.

نکته‌ای که بایستی مورد دقت قرار گیرد اینست که چنانچه این کار منجر به تغییر الگوی مصرف به سمت «الگوهای مد» شود، ایجاد تورم در نظام اقتصادی را در پی خواهد داشت. ولی با قیودی مانند «الگوی مصرف غیر متنوع» می‌توان از این آسیب جلوگیری کرد.

بخش دوم از سیاست‌های کلی امور اقتصادی «اعمال اصلاحات ساختاری و مدیریتی، بهبود محیط کسب و کار برای افزایش اشتغال و مهار تورم» است و اولین بند در این بخش «اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور و بازار سرمایه با تکیه بر موازین شرع و سلامت، کارایی، شفافیت، ساده‌سازی و تقویت نظام نظارتی» است که دلیل مطرح شدن بانک در این بخش، ارتباط آن با مدیریت اقتصاد می‌باشد. در این بنده عبارت «اصلاح با تکیه بر موازین شرع» آمده است که دلیل آن، قائل نبودن برخی افراد به ربوی بودن ساختارهای بانکی است.^۴

دو نکته در این قسمت قابل طرح است، یکی مسأله تخصیص‌ها در نظام بانکی است که باید به نفع منافع ملی سامان یابد و دیگری معادله نشر اسکناس است و باید از هر نوع سیاستی که موجب کاهش قدرت کمی پول می‌شود، جلوگیری کرد. پس به جای بند اول در سیاست شماره ۱۳، دو بند «هدایت نظام بانکی نسبت به نقدینگی از سود محوری به سمت ارائه خدمات مالی در جهت منافع ملی» و «هدایت سیاست‌های پولی بر اساس تولید ناخالص ملی و جلوگیری از هر نوع نشر اسکناس» جایگزین می‌گردد.

در بند «اصلاح نظام مالیاتی و کاهش وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمد نفت» دو امر قابل ملاحظه است؛ یکی اصلاح نظام مالیاتی در راستای طرح‌های استانی و دیگری هزینه کردن پول نفت برای طرح‌های ملی بر اساس استراتژی دفاع همه جانبه. به عبارت دیگر در نظام مالیاتی، مالیات اخذ شده از مردم به جای تمرکز در هر بخش و منبع قرار گرفتن

۴. موضوع مهم دیگر این که باید دید مکانیزم تحقق این سیاست‌های پیشنهادی چیست که این بحث باید در جای خود مورد دقت قرار گیرد.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلّی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

برای بودجه دولت، برای رفاه آنها هزینه می‌گردد و از منابع اصلی بودجه، برای ایجاد زیر ساخت‌ها و طرح‌های عمرانی استفاده می‌شود. پس مالیات در هر استان خرج همان استان خواهد شد. در حالیکه در ادبیات توسعه، نظام مالیاتی برای ایجاد زیرساخت‌های عمرانی مانند پالایشگاه بکار می‌رود. البته از آنجا که شعار عدالت در جامعه مطرح شده، نظام مالیاتی برای ایجاد این زیرساخت‌ها کفایت نکرده و به همین دلیل وابستگی بودجه به نفت، دائمی شده است. پس عبارت پیشنهادی در این قسمت «اصلاح نظام مالیاتی در راستای طرح‌های توسعه‌ای استان‌ها و هدایت طرح‌های عمرانی و ملّی بر اساس استراتژی دفاع همه جانبه و ایجاد زیرساخت تحقق آن به وسیله بخش دولتی و درآمدهای نفتی» می‌باشد.

بند بعد در این بخش «استقرار نظام تشویق و تنبیه برای فعالان اقتصادی بر اساس اصول و ارزش‌های....» می‌باشد که باید به «استقرار نظام تشویق و تنبیه برای فعالان اقتصادی بر اساس نیازمندی‌های محرومین و مستضعفین داخل و منطقه» تغییر کند. البته سیاست «شکستن توزیع اختیارات متمرکز از طریق تغییر الگوی توبیخ و تشویق» در بخش سیستم اداری بررسی شد.

در بند «اصلاح الگوی مصرف و تولید برای جلوگیری از اسراف و تبذیر برای کاهش هزینه‌های تولید» با توجه به عبارت «اصلاح الگوی مصرف برای جلوگیری از اسراف»، روشن می‌شود که الگوی مصرف ثابت مورد نظر است، اما از آنجا که الگو باید در سه سطح «تولید، توزیع و مصرف» هماهنگ باشد - و «جلوگیری از اسراف و تبذیر» در الگوی مصرف، «کاهش هزینه‌های تولید» در الگوی تولید و «هدفمند کردن یارانه‌ها» در الگوی توزیع مطرح می‌شود - «اصلاح الگوی تولید و توزیع و مصرف از طریق فاصله گرفتن از فرهنگ تنوع گرایی و رفاه محوری» عنوان مطلوب خواهد بود؛ زیرا فرهنگ اسراف و تبذیر به فرهنگ رفاه باز می‌گردد.

در بند آخر نیز باید «مهار تورم به معنای کاهش انتظارات اجتماعی از طریق اصلاح الگوی تولید، توزیع، مصرف» اضافه شود.

سیاست سوم در بخش اقتصادی «ایجاد ساز و کار مناسب برای نیل به رشد غیر تورمی شتابان با تکیه بر افزایش بهره‌وری و توسعه عدالت‌محور در چارچوب اصول آمایش سرزمین» است اما از آنجا که «رشد تورمی غیر شتابان» مربوط به سند چشم‌انداز است، باید بیان اصول آمایش سرزمین، در این سیاست مورد توجه قرار گیرد. پس عنوان مناسب در اینجا «چارچوب اصول آمایش سرزمین بر اساس توسعه عدالت‌محور» است که بر این اساس، دیگر «تقویت زیرساخت‌ها» (بند اول) موضوعیت نداشته و از این رو بند اول بر مبنای تبدیل مناطق آزاد از صنعت ترانزیت به تأمین نیازمندی‌های ضروری امت اسلامی این عنوان را خواهد داشت: «تدوین دکترین زیرساخت‌های خدماتی بر اساس چارچوب اصول

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

آمایش سرزمین بر اساس توسعه عدالت محور».

بنابراین «تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد جهانی و...» که مربوط به آمایش سرزمین در ادبیات توسعه است، حذف خواهد شد؛ زیرا در طرح پیشنهادی، آمایش سرزمین و جغرافیای جمعیتی بر اساس ارتباط با محرومین و مستضعفین منطقه ساماندهی می‌شود، همان طور که بند «تقویت یکپارچگی سرزمین...» حذف شده است. زیرا بر همان مبنا مطرح شده و باید در بخش فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

بند «ایجاد توازن و تعادل منطقه‌ای...» نیز بندی قابل قبول است.

نکته قابل تأمل درباره بند «برنامه‌ریزی بر مبنای مدیریت زیست بومی و...» اینکه اگر در این بند «محیط زیست» اصل قرار گیرد، ماهیت تکنولوژی دچار چالش خواهد شد.

بعد از بررسی سیاست‌های کلی بخش اقتصاد باید سیاست‌های کلی امور مدیریتی را مورد توجه قرار داد؛ زیرا بعد از طراحی اقتصاد در ادبیات توسعه، مدیریت و دولت در قالب یک شرکت خدماتی بزرگ تعریف می‌گردد. در اینجا است که باید بوروکراسی از طریق تغییر در مدیریت صف و ستاد و.. مهار شود و بند سوم از سیاست شماره ۲۱ متکفل این مهم شده است. در واقع این بند، تعبیر منطقی «مدیریت استانی» و به معنای «عدالت» است.

بند «جذب نخبگان...» هم به معنای «معنویت» است، اما این بخش، فاقد متغیر «عقلانیت» می‌باشد. البته معنویت در «جذب نخبگان» بر اساس اعتقاد موجود به معنای اخلاق فردی است، نه به معنای اخلاق در ساختار مدیریت و حال آنکه باید دید وصف اختیارات نظام حکومتی چیست؟ به طور مثال وقتی گفته شود باید با زیردست با رحمت و با مسئولین ارشد با قاطعیت برخورد شود، یعنی در «نظام» توبیخ و تشویق، توبیخ برای افراد رده بالا و تشویق برای رده‌های پایین باشد. لذا ایجاد انگیزه برای کار دولتی باید اینگونه باشد. پس به جای «تعهد و شایسته سالاری»، باید این عنوان قرار گیرد: «بر پایه الگوی توبیخ و تشویق اسلامی (برخورد رحمت آمیز با کارگران و کارمندان و برخورد قاطع با مدیران ارشد)».

اما در بند اول که «کاهش تصدی دولت و... در قلمرو امور حاکمیتی برای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴» ذکر شده، دولت به یک شرکت خدماتی تعریف شده است. وقتی دولت به صورت اقتصادی تعریف شود، عقلانیت آن هم «مدل برنامه» خواهد بود. بنابراین عقلانیتی که در عنوان اصلی ذکر شده، عملاً عقلانیت اقتصادی است. لذا این سه بند مربوط به عقلانیت است که باید در جای خود نقد شود، گرچه قبلاً برای نقد آن، بحث «نفی بوروکراسی» ارائه شده است. بنابراین طرح سیاست‌های کلی اصل ۴۴، عملاً بخش دولتی و تعاونی را تعطیل می‌کند.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

به طور کلی در دنیا این مطلب واضح است که حاکمیت برای بخش خصوصی است و بقیه باید ساکت شوند و دولت مهره‌ای در دست این بخش است. از این رو تعیین سه قوه در قانون‌های اساسی، دیگر معنا ندارد، چون اصل دولت‌ها، در دست WTO و امثال آن است. این همان بحثی است که درباره قانون اساسی و لایه‌های پنهان قانون اساسی‌های فرهنگی و اقتصادی مطرح شد که اثبات کردید این لایه‌های پنهان بر بخش سیاسی حکومت می‌کند و روشن شد که قانون‌های اساسی در کشورها، تنها جنبه ملّی دارند، اما در قانون‌های اساسی جهانی، قوای سه گانه به دلیل عدم محوریت بخش سیاسی، کوچک شده و بخش‌های اقتصادی و فرهنگی آن در سطح جهانی، اولویت یافته است، پس قسمت «برای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» حذف می‌شود و «با الگوی جدید طبقه‌بندی اختیارات در سطوح کلان و خرد» جایگزین آن می‌شود.

سیاست بعدی در بخش مدیریتی «طراحی نظام جامع نظارت و ارزیابی امور مبتنی بر تحقق اهداف دولت اسلامی، اجرای برنامه‌ها و تحقق تصمیمات نظام با استفاده از فناوری‌های نوین و نگرش سیستمی و استقرار پایگاه اطلاعاتی کشور» است. قسمت آخر آن باید به این صورت تغییر کند: «با استفاده از فناوری‌های نوین در مرکز، نگرش سیستمی در استان‌ها و با استقرار پایگاه اطلاعاتی کشور در شهرها». یعنی بازار و خدمات دولتی که باید مردم از آن استفاده کنند، در شهرها مستقر شود. پس این عنوان به «مرکز، استان و شهرها» مقید می‌شود. در حالیکه امروزه پایگاه‌های اطلاعاتی به مرکز داده می‌شود تا همه از این اطلاعات خبردار نشوند. قسمت آخر بند ذیل این سیاست نیز این گونه تغییر می‌کند: «در سطوح خرد و کلان مبتنی بر جامعه‌شناسی اسلامی».

در بند «ارتقاء سلامت اداری، کاهش فاصله بین مدیران و مردم و رفع تبعیض و...»، قسمت «حاکم ساختن اخلاق...» و قسمت «افزایش رضایتمندی و اعتماد عمومی مردم» حذف می‌شود و این عبارت اضافه می‌شود: «بر اساس تئوری ولایت مطلقه فقیه»؛ در واقع منظور آقایان این است که مثلاً رشوه ریشه‌کن شود، در حالی که سیستم تئوری قدرت ایجاد رشوه می‌کند و اخلاق را فاسد می‌کند؛ یعنی توزیع اختیارات با درجه ایمان افراد تناسب ندارد. بلکه همه اینها باید بر اساس یک الگو و تئوری تغییر کند. زیرا مناصب و پست‌ها بر اساس حزب‌گرایی به وجود می‌آید و تحرّز، قشری را بر سیستم اداره کشور حاکم می‌کند.

بند بعدی «شفاف سازی و تنظیم و تناسب اختیارات و مسئولیت‌ها، ارتقاء سطح پاسخگویی، استقرار نظام تشویق و تنبیه بر اساس موازین اسلام و صیانت از بیت‌المال و پرهیز از اسراف و تبذیر» است که به جای «بر اساس موازین اسلام»، همان «برخورد رحمت‌آمیز با کارمندان و برخورد قاطع با مدیران ارشد» قرار می‌گیرد و «استقرار نظام تشویق و تنبیه» حذف

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

می‌شود.

در «سیاست‌های کلی در بخش امور سیاست داخلی» آمده است: «تحکیم مردم سالاری دینی با افزایش کارآمدی و انسجام قوای سه گانه، ارتقاء شاخص‌های امنیت عمومی و انضباط اجتماعی برای افزایش اعتماد و رضایت‌مندی عمومی» که همین مضامین در سیستم اداری نیز آمده است. پس به آن «بر اساس تئوری ولایت مطلقه فقیه» اضافه می‌شود.

سیاست بعدی «بهبود سلامت فضای سیاسی با متعهد نمودن جریان‌ات سیاسی به پایبندی و دفاع از منافع ملی، دشمن‌ستیزی، قانون‌پذیری و رعایت قاعده‌مندی و اصول اخلاقی در رقابت فیما بین» است که این عبارت به آن اضافه می‌شود: «از طریق تبدیل تحزب‌گرایی سیاسی به تحزب‌گرایی ارزشی». البته معنای «رعایت قاعده‌مندی» نامعلوم است. لذا بهتر است حذف شود.

در سیاست‌های امور امنیتی «تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، متعالی، فراگیر و پیش‌برنده اهداف و منافع ملی» آمده که باید به «منافع اسلام، انقلاب و ایران» تبدیل شود.

بند ذیل آن «تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضائی...» است. به نظر می‌رسد برای اشراف اطلاعاتی، تقویت دستگاه‌های مردمی ضرورت دارد، نه اینکه حکومت عهده‌دار این کار باشد.

پس «صیانت از امنیت و حریم فردی و عمومی» از این قسمت حذف می‌شود؛ زیرا در بخش امر به معروف و نهی از منکر خواهد آمد. بنابراین، پیشنهاد ما این است: «تقویت دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی از طریق مهندسی اطلاعات مردمی و تشدید مقابله با عناصر تروریست، جرایم سازمان‌یافته و مفاصد اقتصادی و اجتماعی و تهدیدات نرم». «ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعات جمعیتی و ارتقاء سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای...» بند بعدی است. در پیشنهاد ما چون سطح تکنولوژی کاهش می‌یابد و اینترنت تنها استفاده سازمانی و حکومتی (نه مردمی) دارد، این بند حذف می‌شود؛ البته سیاست‌های اجرایی این بخش، بحث دیگری است.

لذا اگر آمار و اطلاعات این بخش بررسی شود، معلوم خواهد شد که تازه در نقطه شروع هستیم و لذا نمی‌توان به این بند به عنوان سیاست کلان برنامه پنجم پرداخت، بلکه باید در برنامه‌های بعد، از آن دنبال شود.

البته در موضوع ارتباطات، بحث دیگری به عنوان «تولید، قطب توسعه» مطرح است که بر اساس آن، دو رویکرد حداقل و حداکثر شکل می‌گیرد و بنابر هر دو رویکرد، این بند به عنوان بند اول قرار می‌گیرد. زیرا با ساماندهی ارتباطات،

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

کشور به منطقه وصل شده و جاده و اتوبان و ترمینال، به امری تبعی مبدل می‌گردد، زیرا در این دیدگاه وابستگی، ارتباطات، متغیر اصلی است. اما امروزه مسئولین کشور به دنبال رویکرد وابستگی نیستند، بلکه می‌خواهند حرکت علمی خود را به منویات رهبری مقید کنند و الا ضد انقلاب لقب می‌گیرند و یا منزوی خواهند شد. پس این بند کلاً حذف می‌شود.

عنوان «تقویت زیرساخت‌های انسجام اسلامی و همبستگی ملی در راستای مقابله با جریان‌ات و رویکردهایی که موجب بروز و تعمیق گسست‌های هویتی، اجتماعی و اعتقادی می‌گردد» عنوان قابل قبولی است، اما «همبستگی ملی» باید به «همبستگی انقلابی» تغییر کند.

«ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور...» عنوان بخش دفاعی است که باید به این صورت تغییر کند: «... به منظور دفاع از حاکمیت اسلام، منافع انقلاب...» زیرا اگر کشور ما حاکم محسوب می‌شود، به تئوری امامت باز می‌گردد.

در بند ذیل سیاست دفاعی، عنوان «تقویت دیپلماسی دفاعی در شکل دهی به پیمان‌ها و ائتلاف‌های دفاعی دو و چند جانبه در محیط‌های پیرامونی و گسترش روابط با ارتش‌های کشورهای اسلامی و دوست» قابل قبول است.

بند بعدی «سرآمدی در کسب دانش و فناوری نو و پیشرفته دفاعی در منطقه ...» است که باید به آن «با الگوی ارتش‌های مردمی» اضافه شود. در ادامه همین بند، عنوان «افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های صنعتی کشور» هم عنوان خوبی است. زیرا قبلاً آورده شد که دستگاه حکومتی - امنیتی نسبت به بهره‌مندی از علوم فناوری‌های نوین استثناء است، اما در «نوسازی و بازسازی صنایع دفاع»، فناوری‌های متوسط مطرح می‌شود.

البته در منطقه باید تکنولوژی برتر را داشت تا دشمنان بترسند، اما نمی‌خواهیم این نوع تکنولوژی، متغیر اصلی باشد. پس به این معنا می‌شود که «استطاعت» آن را داشته باشیم؛ اما سیاست «ترهبون به»، به وسیله مردم و شهادت طلبی انجام شود. پس عنوان این بند این‌گونه می‌شود: «سرآمدی در کسب دانش و فناوری‌های نو و پیشرفته دفاعی در منطقه (من استطعتم) و نوسازی و بازسازی صنایع دفاعی بسیجی (ترهبون به)، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های صنعتی کشور».

اما بند بعدی یعنی «ساماندهی ترکیب جمعیت، مرزها و سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس با توجه ویژه به مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در استقرار امنیت و دفاع از کشور»، قابل قبول نیست. زیرا در صورت اجرای این سیاست، ضربه‌پذیری افزایش می‌یابد. پس این عنوان حذف می‌شود، چون عنوانی دفاعی نیست بلکه مربوط به «آمایش سرزمین» است.

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاست‌های کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

بند دیگر «حضور در فضا و تقویت توانمندی‌های دانشی و نرم‌افزاری لازم در مقابله با جنگ‌های سایبری» است که بر اساس استدلالات گذشته درباره توسعه تکنولوژی، باید حذف شود.

بند بعدی «توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب و تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین» است که قابل قبول است، اما عنوان «تامین پدافند غیر عامل حیاتی و حساس» چون مشمول عنوان «سرآمدی در کسب دانش‌های نو...» است، به همان دلایل آنجا باید حذف شود.

در بخش سیاست خارجی، بند «جلب مشارکت کشورهای منطقه...» آمده که استفاده از عبارت «منطقه» به معنای پذیرش آمایش سرزمین بر اساس تقسیم کار جهانی است. اما به نظر می‌رسد عنوان «فرهنگی» باید از آن حذف شود و عبارت «حول کشورهای غیر متعهد» اضافه شود تا ارتباط با اتحادیه اروپا در حاشیه قرار گیرد.

سیاست ۲۰، قابل قبول است، اما در آخر آن باید «تأمین منافع اسلام» آورده شود.

بند ذیل آن نیز باید به این صورت تغییر کند: «حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر اساس درخواست‌های نظام جمهوری اسلامی از قوانین بین‌المللی در موضوع حقوق بشر، زنان و فاصله طبقاتی و...» و بر این اساس عنوان: «تقویت تعامل...» نیز حذف می‌شود.

در عنوان بند بعدی به جای «ارتقاء نقش مدیریتی»، «ارتقاء نقش سیاسی ایران» جایگزین شود، چون قبلاً مشخص شد که در این موضوع باید کارهای سیاسی انجام شود.

عنوان بند بعدی بر اساس استدلالات قبلی، به این صورت تفکیک می‌شود: «سازماندهی سیاسی نسبت به مظلالم جاری بر امت اسلام» و «دفاع رسانه‌ای از حقوق مسلمانان، مظلومین و محرومین»؛ زیرا لازمه معرفی تمدن ایران به این معناست که «ما تبدیل به یک موزه شده‌ایم و به دنبال صدور انقلاب نیستیم».

اما در سیاست‌های قضایی، باید عنوان بند اول را برعکس کرد؛ لذا به این صورت می‌شود: «از طریق هدایت وجدان عمومی برای ایجاد امنیت فرهنگی حول عدالت محوری به جای امنیت سرمایه‌داری». پس هدف محوری در سیاست‌های کلان باید این عنوان قرار گیرد.

عنوان بند بعدی نیز به این صورت تغییر می‌کند: «آسیب‌شناسی ریشه‌های جرائم و بالا بودن حجم پرونده‌های قضایی و حل مبنایی چالش آن...».

توضیح آنکه، مرحوم استاد حسینی (ره) در بحث ناهنجاری‌های اجتماعی می‌فرمایند: قوه قضائیه نه برای حداکثر،

اسناد پژوهشی استدلال بر اصلاحیه پیشنهادی سیاستهای کلی پیشنهادی بر نامه پنجم سازندگی

بلکه برای حداقل است و نمی‌توان همه مردم را دستگیر کرد، در حالیکه الآن بسیاری از مردم در مراکز قضایی، پرونده دارند. در واقع حجم پرونده‌ها در دستگاه قضایی مرتباً زیاد می‌شود، پس باید ببینیم علت آن چیست.

در سیاست بعدی آمده است: «رعایت اولویت قانون‌گذاری در امور مصرح در قانون اساسی ...» که به معنای ممنوعیت قانون‌گذاری خارج از قانون اساسی است و مثلاً نباید درباره ساعات کار ادارات به وضع قانون بپردازند، بلکه باید قوانینی که قانون اساسی، کار را به آنها ارجاع داده، تنقیح کنند. پس این قسمت از عنوان، قابل قبول است. در ادامه آمده است: «تنقیح قوانین موجود در جهت انطباق کامل با معیارهای شرعی ...» که این نیز باید به «بهینه قوانین موجود...» تغییر کند. البته این عنوان، عنوان خوبی است؛ چون یک قدم از «عدم مخالف» جلوتر آمده و «انطباق» را مطرح کرده است.

در ادامه «روانسازی امور، شفافیت حقوق مردم و حاکمیت، انطباق با نیازهای واقعی جامعه و نظارت بر اجرای کامل قوانین برای ارتقاء امنیت عمومی در سایه قانون‌گرایی» نیز عنوان خوبی است.

پس به این صورت تمام سیاست‌ها و بندهای ذیل آن‌ها نقد و بررسی گردید.